



پیام فدائی

مرکب برای ما
و سکای زنجیریش

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

بها: ۱۰۰۰ ریال

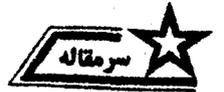
فروردین و اردیبهشت ۶۹ - ۴۴ صفحه

سال پنجم شماره ۳۲

نگاه به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

جنگ به حیات و هستی کارگران و توده‌های محروم ما تحت عنوان برنامه "بازسازی" سازمان ناده است، "قانونیت" بختید، بموازات ارائه این لایحه، سران رژیم تبلیغات رباکارانه نامنه ناری را نیز سازمان ناند و لایحه بودجه خود را بودجه‌ای "خد تورم" و "محرومیت زنا" نامیدند. آنها در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی در واپسین روزهای سال ۶۸ لایحه بودجه سال آینده خود را از تصویب مجلس شورای اسلامی گذراند. با تصویب این لایحه، مجلس رژیم در حقیقت امر به بخش دیگری از پورش غارتگرانه و وحشتناکی که بورژوازی وابسته حاکم در چهارچوب برنامه ۵ ساله خوبی در شرایط پس از



پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران ستمدیده و مبارز ایران! در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر هستیم. صد و چهارمین سالگرد جنبش اول ماه مه فرا میرسد و گردانهای بیشمار ارتش جهانی کارگران میروند تا در پهنه گیتی و در سطوح و اشکال مختلف، بار دیگر عید خود را جشن بگیرند و یاد جاودان رهبران دلاور و مبارز طبقه‌شان را پاس نارند و با تناوم راه و جنبشی که با خون آنان رنگین شده است، نبردی متحد و یکپارچه بر علیه تمامی مظاهر غارتگرانه جهان کهنه، جهان سرمایه داری و ارتجاع را بیوستگی بختند. پرچم سرخی که صد و چهار سال پیش از این در اول ماه مه ۱۸۸۶ توسط کارگران دلاور آمریکائی به در صفحه ۴

"توده‌های جوان" در سنگر "شاه جوان"

در صفحه ۹

گزیده‌هایی از صدای چریکها

در صفحه ۲۰

"سیستم مالیاتی جدید در انگلستان و تظاهرات توده‌ای بر علیه آن"

در صفحه ۲۶

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت نوروز ۶۹

در صفحه ۴۴

قسمت دوم

گزارش هیات تحریک در خدمت تصاحب

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۵

در صفحات دیگر:

- ۱۳ - شعری از برتولت برشت
- ۱۹ - کمکهای مالی
- ۲۸ - اخبار و گزارشهای غیری
- ۳۳ - ایران از تریچه آمار
- عینای فروردین و اردیبهشت ماه
- ۴۲ - چریکهای فدائی خلق و روز شمار

زنده باد مبارزه مسلمانان که تنها راه رسیدن به آزادی است!

نگاه به بودجه سال ۶۹ جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

فریبکارانه انفا کردند که در سال آتی با این بودجه در صدند که ضمن افزایش "تولید" مملکت با "تورم" و "محرومیت" و "فقر" گسترده تودهها مبارزه کرده و "رفاه" برای آنها به ارمغان بیاورند.

اما سوی این اباطیل پرطمطراق بررسی محتوای لایحه مصوبه مجلس نشان میدهد که بودجه سال ۶۹ اساساً تنظیم قانون پس و پشیمانده تری برای حفظ و استحکام نظام سرمایه داری وابسته و تحکیم سلطه امپریالیسم و وابسته کردن هرچه بیشتر مملکت به آنان می باشد؛ بهمین اعتبار از هم اکنون با قاطعیت میتوان گفت که ما حاصل این برنامه در پایان سال جاری برای میلیونها تن از کارگران و توده های محروم ما جز فقر و گرسنگی و فشار بیشتر و افزایش تورم نخواهد بود. توری که به اعتراف مخبر کمیسیون برنامه و بودجه رژیم "برای نه درصد جامعه نعمت است".

نظری اجمالی به برخی از رئوس این لایحه بخوبی روند تشدید فقر و مسکنیت توده ها و ستم و سرکوب بیسابقه ای که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در صد است با اجرای این برنامه بر زندگی مردم رنجیده ما حاکم گرداند را تصویر میکند.

مطابق گزارشات خود رژیم، رقی که برای کل بودجه سال ۶۹ در لایحه ارجاع شده به مجلس، در نظر گرفته شده است مبلغی معادل ۴۰۰۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال میباشد. از این مبلغ رقی تقریباً نزدیک به نصف، یعنی ۴۰/۵ درصد را "درآمدهای مالیاتی" ۲۷/۲ درصد را "درآمدهای نفت و گاز" و ۳۲/۳ درصد را "سایر درآمدها" تشکیل میدهند.

با این اوصاف نخستین نکته ای که در بودجه سال ۶۹ رژیم جمهوری اسلامی بچشم میخورد، حسابهای بهیگرانی است که این رژیم تحت عنوان اخذ "درآمدهای مالیاتی" برای دستگاه حکومتی خویش منظور نموده است. تاجائیکه "درآمدهای مالیاتی" پیش بینی شده در لایحه، ۴۰/۵ درصد بودجه

بیشنهادی را در برمیگیرد. ابعاد این واقعیت را میتوان در قالب آمار و ارقام دهشتناکی که راجع به "درآمدهای مالیاتی" در برنامه رژیم ترسیم شده بخوبی مشاهده کرد. مطابق اینس ارقام "درآمدهای مالیاتی ۱۶۳۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال است که نسبت به عملکرد سال جاری (سال ۶۸) بیش از ۴۱/۱ درصد افزایش نشان میدهد" به بیان دیگر "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ مؤیدیک افزایش عظیم ۵۰۰ میلیارد ریالی در مقایسه با میزان اخذ مالیاتها در سال ۶۸ میباشد. ما به ازای عملی این افزایش عظیم میزان مالیاتها در جامعه همانا تشدید فشار و غارت بیشتر میلیونها تن از کارگران و طبقات تحت ستم جامعه در سال ۶۹ خواهد بود. چرا که در جمهوری اسلامی بمثابه رژیم منافع سرمایه داران را توصیف و وابسته، این طبقات حاکم و استثمارگران و صاحبان ثروت های باد آورده نیستند که عملاً سهم عظیم مالیات و بعبسارت صحیح، باج و خراجهای دولتی را بر دوش میکنند. آنها به اعتراف گاه و بیگاه خود دست اندرکاران رژیم با استفاده از هزارویک روزن یا از زیر بار پرباخت مالیات شانه خالی میکنند و با بغرض اجبار به پرباخت بخشی از هزینه های ما عین دولتی تحت نام مالیات، بار دیگر کسبه خود را از راه تشدید استثمار و غارت توده ها و تحصیل سودهای نجومی پر میسازند. در این میان، این توده های تحت ستم و طبقات فرودست هستند که در مواجهه با فشار و ستم و تعدی دستگاه دولتی اجباراً باید بار سنگین باج و خراجهای حکومتی را بر دوش کنند. کما اینکه مخبر کمیسیون برنامه و بودجه رژیم، هادی غفاری نیز با گرفتن بز دفاع از توده های تحت ستم به شکلی فریبکارانه ضمن ریختن اشک تمساح برای آنان اعتراف میکند: "بخش عمده مالیات را حقوق بگیران و کارمندان دولت میپردازند که بیشترین فشار زندگی بر روی آنهاست".

اما برای اینکه بهتر بفهمیم چرا دود افزایش سرسام آور "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ در حقیقت بهیستم

ماحبان دستمزدهای ثابت و در يك كلام طبقات فرودست خواهد بود .

ماحصل آنکه، سران رژیم در بخش "درآمدهای مالیاتی" برنامه خود که معادل ۴۰/۵ درصد کل درآمدهای دولت در لایحه سال ۶۹ است آنچنان بی‌روسی انجام گسیخته‌ای را به حیات و کار توده‌ها پیش بینی کرده‌اند که این مسئله در جریان تصفای درونی بین جناحهای متخاصم رژیم حتی مورد اعتراض برخی دیگر از کارگزاران رژیم قرار گرفته و آنها به دولت هشدار داده‌اند که دیگر چیزی در چینه خالی مردم باقی نمانده که دولت بتواند در سال ۶۹ آنها را نیز به جیب بزند . در همین رابطه علی پناهنده یکی از مزدوران مجلس همین رژیم عنوان کرد که "مالیاتهای پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۹ خارج از توان مالیات دهندگان و تحقق آنها بنظر من محال است ."

با توجه به این توضیحات در مورد "درآمدهای مالیاتی" است که تا اینجا میتوان کذب مضامینهای بغایت فریبکارانه سران رژیم و تبلیغات ضد خلقی آنها مبنی بر خصوصیت "فقر زدائی" و "مبارزه با محرومیت" بودجه سال ۶۹ را فهمید و دریافت که اتفاقاً خصوصیت بارز این بودجه تأمین "رفاه" و "آسایش" بیشتر برای سرمایه‌داران وابسته از طریق مکیدن هر چه بیشتر شیره جان فقرا و محرومین یعنی توده‌های تحت ستم ما میباشد . واقعیتی که آمار و ارقام مربوط به تحصیل افزایش سرسام‌آور باج و خراجهای دولتی به توده‌ها در بخش "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ بعینه آنها نشان میدهند .

چند از سهم "درآمدهای مالیاتی" در تنظیم بودجه سال ۶۹ ، رژیم جمهوری اسلامی برای درآمدهای ناشی از فروش منابع و ثروتهای طبیعی مملکت یعنی نفت و گاز مبلغی معادل ۱۰۸۹/۶ میلیارد ریال در نظر گرفته است که نسبت به پیش بینی عملکرد سال جاری حدود ۲۱ درصد افزایش نشان میدهد . بخش دیگری از درآمدهای بودجه پیشینها را "سایر درآمدها" تشکیل میدهد که البته هیچکس نمیداند از کجا قرار است بدست آید و آنقدر غیر واقعی است که خود سردمداران رژیم نیز تنها به "مید" تحقق آن دل خوش کرده‌اند . در حالیکه بحران اقتصادی عمیق وحدت‌با بنده ، روز بروز رژیم جمهوری اسلامی را بیش از پیش به گرداب ورعکستگی و افلاس تمام عیار سوق میدهد . برنامه‌ریزان این رژیم در بودجه در صفحه ۲۷

توده‌های تحت ستم و بویژه کارگران و زحمتکشان میسرود ، - جدا از بررسی مالیات از حقوق که بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای مالیاتی دولت را تشکیل میدهد - بررسی قسمت "مالیات مشاغل" برنامه رژیم نیز خالی از فایده نیست . بنا به اعتراف دکتر نوربخش ، وزیر امور اقتصادی رژیم ، در بودجه سال ۶۹ میزان "مالیات مشاغل" از ۱۰۰ میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۲۰۰ میلیارد ریال ، یعنی به دو برابر در سال ۶۹ افزایش خواهد یافت . در این رابطه قابل ذکر است که اگر برای صاحبان مشاغل آزاد و با سرمایه‌های کلان در جامعه تحت سلطه ما ، جبران بلافاصله وجوهی که احیاناً تحت عنوان "مالیات مشاغل" به کسبه دولت میریزند از طریق افزایش قیمت خدمات و کالاهای آنها میسر است ، اما برای صاحبان مشاغل با سرمایه‌های خرد ، یعنی طیف وسیعی از زحمتکشان ، دو برابر شدن "مالیات مشاغل" در سال ۶۹ بطور اجتناب ناپذیری بمعنای اعمال فقر و ستم بیشتر بر معیشت و حیات آنهاست . چرا که در سال ۶۹ آنها نه تنها باید با توجه به درآمد نازل خود بخاطر دو برابر شدن "مالیات مشاغل" مستقیماً و بلاواسطه بار مالیاتی بیشتری را تقبل کنند بلکه در واقع باید ، مالیاتی را هم که صاحبان مشاغل با درآمدهای بالاتر پرداخته و اکنون بار آنها از طریق افزایش قیمت‌ها به جامعه انتقال میدهند نیز متحمل شوند . در نتیجه و به این ترتیب بار افزایش صد درصدی "مالیات مشاغل" رژیم نتیجتاً بر توده‌های تحت ستم سرریز میشود . با توجه به این واقعیت غیر قابل انپوشانی است که حسینی ماهرودی نمایندنده رژیم در مجلس ارتجاع نیز اقرار میکند که در حاکمیت رژیم "امروز کسبه جز ، و محرومان بیشتر مالیات میدهند و کسانی که آنها میلیون تومان سود میبرند مالیات نمیدهند ."

با این توصیف روشن میگردد که با افزایش سهمگین "درآمدهای مالیاتی" رژیم در سال ۶۹ توده‌های تحت ستم ما که زیر بار فقر و فلاکت ، بیکاری و کمبود و گرانی و تورم و سایر مآثرات ناشی از حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی جانفشان به لبمان رسیده است اسال نیز یکی از آن منابع "درآمد" اصلی‌ای هستند که مطابق برنامه رژیم باید بخش هنگفتی از هزینه‌های دستگاه ظلم و سرکوب حاکم را با پرداخت مالیاتهای گوناگون تأمین سازند . واقعیتی که بازتاب آن در جامعه تحت سلطه ما بدون شك در درجه اول همانا شدت‌بایی روند خان‌خراهی کارگران و ورعکستگی افسار زحمتکشی ،

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

اهتزاز درآمد پرچی بود که زیر لوای آن، طبقه کارگر با نمایر خیره کننده ای از قدرت و اراده مبارزاتی واحد خود، ضمن دادن قربانان گرانقدر موفق عدد در کوران مبارزه ای خونین و پیگیر، ۸ ساعت کار در روز و برخی خواستهای دیگر خود را بر سرمایه داران استثمارگر تحمیل کرده و اولین سنگرهای يك جنگ همه جانبه با آنان را به نیروی لایزال خود فتح کند. این پرچم سرخ امروز نیز بر تارک بیکار طبقاتی کارگران همچنان در اهتزاز است. ارتش سلحشور کارگران با صفوی بهم نافته در سراسر دنیا، زیر ندای بانگ " صولتمند " کارگران جهان متحد شوید! " و " همیشه به پیش! " میروند تا با افق روشن و محتوم فتح تمامی سنگرهای جبهه متحد سرمایه داری جهانی، زنجیرهای اسارت و بردگی بعیریت را بگسلند و دنیائی نوین و عاری از ظلم و ستم و استثمار را به ارمغان بیاورد.

درک مضمون و مقام حقیقی جنبش اول ماه مه و روز جهانی کارگر، در نهضت انقلابی این طبقه، بیش از هر چیز با پاسداری و صیانت از چنین آرمانهای رهانیبخش و مبارزه در جهت تحقق آنها امکانپذیر میگردد. بنابراین روز اول ماه مه، آنطور که سرمایه داران و ایادی آنها سعی میکنند بدمایانند، هرگز صرفاً در مفهوم يك عهد و یا روز تعطیل و استراحت خلاصه نمیشود. اول ماه مه برای طبقه کارگر يك سمبل مبارزاتی است. اینروز نقطه عطفی در تاریخ بیکار طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران است. بیکار طولانی ای که جوانانهای نورسته آن، صد و چهار سال پیش در سرود همبستگی کارگران ببا خاسته از مطالب سرمایه داری در خیابانهای شیکاگو آمریکا بدست سرمایه داران سرکوبگر بخون نشست. و سپس بهام آن در جنبش و اعتراض میلیونها کارگر دیگر بر علیه نظام سرمایه داری در سراسر جهان پژواک گشت. و بالاخره اول ماه مه تجلی خشم بنیان برافکن مبارزه خونین پرولتاریا بر علیه دشمنان طبقاتی و تداوم ظلمین سترک مارش طولانی ای است که کارگران سراسر گیتی را صرف نظر از رنگ پوست، نژاد و ملیت به مبارزه ای انقلابی برای رهائی از یوغ نظام سرمایه داری دعوت میکند.

اما امسال کارگران سراسر جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه میروند که جنبش این طبقه دوران ساز در موقعیت بین المللی حساسی قرار گرفته است. شرایطی که بورژوازی جهانی و تمامی زائده ها و ایادی رنگارنگش نهضت طبقه کارگر را آماج موج نوینی از يك تعرض سیستماتیک و همه جانبه قرار داده اند. افلاس و ورشکستگی روز افزون " اردوگاهی " که سالهای معید زیر بیری " سوسیالیسم " و بنام طبقه کارگر از هیچ جنایتی بر علیه کارگران فروگذاری نمیکرد و برافتادن نقاب " سرخ " از چهره " کریه و زرد رویزیونیستهای خائن و ضد انقلابی حاکم بر این اردوگاه با اصطلاح سوسیالیستی و نرستهای طلائی نوینی را به بورژوازی جهانی اعطا نموده تا بیورش عنان گسیخته خود را به مواضع طبقه کارگر حدت بخشد. دشمنان قسم خورده طبقه کارگر در این کارزار ضد کمونیستی، با نعر موج گذرده ای از تبلیغات زهر آگین و مسموم در سطح بین المللی و بویژه با تمرکز بر روی کارگران، ورشکستگی رویزیونیستهای خائن بلوک ضد کارگری شرقی را بهانه کرده اند تا بار دیگر فروریختن و پایان کار " کمونیسم " و

"مارکسیسم" بمثابه تنها مکتب و تئوری رها نیبخش پرولتاریا را اعلام کنند. البته در طول سالها نبرد بی امان طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریای آگاه و انقلابی ای که در سطح جهانی بطور روزافزونی به مارکسیسم و کمونیسم بمثابه تنها سلاح انقلابی انتقاد از نظام بوسیده سرمایه داری مسلح شده، این اولین بار نیست که بورژوازی و متحدین رنگارنگش به چنین حربیه های فریبکارانه ای تمسک میجویند. بورژوازی جهانی و دیگر دشمنان قسم خورده کارگران، در طول تاریخ حیات ننگین خویش بارها کار "کمونیسم" و "مارکسیسم" و طبقه کارگر را پایان یافته اعلام کرده اند تا نظام استثمارگرانه و ارتجاعی خود را نظامی جاودانی و غیر قابل تغییر جلوه دهند. و این در حالست که به گواهی تاریخ، کمونیسم و مارکسیسم اصیل هر بار سرزنده تر و شاداب تر از پیش سر برداشته و جنبشهای نیرومندتر و پیروزمندانه تری را زیر درفش رها نیبخش خویش بر علیه سرمایه داران و استثمارگران رهبری و هدایت نموده اند. سرمایه داران ز الوصفت مرست با وقوف به همین نکته اساسی است که با سازماندهی تبلیغات جهنمی ضد کمونیستی، میخواهند چشم انداز پیروزی را در مقابل دیدگان تیزبین طبقه کارگر کمر سازند تا شاید چند صباحی دیگر سیستم گندیده بحران زده و بحران زای خود را از زیر ضربات و مبارزه بهیگر و قاطع پرولتاریا، این طبقه تا به آخر انقلابی مصون دارند. لیکن، بجز آن میتوان گفت که موج نوین تعرض بورژوازی و نارودسته های کارگزار آن به جبهه کارگران و تشدید عناد ورزی و ستیزه جویی ضد کمونیستی در شرایط کنونی برای آنها از هر زمان دیگری بیشتر حائز اهمیت است؛ چه، سیستم بوسیده بورژوازی امپریالیستی امروزه در سطح جهانی در معرض یکی از سخت ترین و علاج ناپذیرین امواج مرگبار بحران و رکود قرار گرفته است و ضرورت نابودی این نظام غارتگرانه با تمامی دستگاهها و بساطش بلحاظ عینی، بیش از هر زمان دیگری به یک ضرورت تاریخی برای بشریت تبدیل شده است. مضافا اینکه بر بستر چنین زمینه عینی رشد یا بنده ای است که سیل طغیان جنبشهای رها نیبخش و کارگری، زیرلوی مارکسیسم و کمونیسم در اقصی نقاط دنیا بطور منام نضج میبیند. "شبح سرخ" کمونیسم حال دیگر به موجودیتی مادی، غیر قابل انکار و بالنده یعنی به انقلاب اجتماعی تبدیل شده و درفش آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و کمونیسم در مرکز ثقل این جنبشهای ناظم التزاید میدرخشد. وجود چنین پارامترهای "خطرناکی" برای اردوی سرمایه داری جهانی و عمال رنگارنگ کافیسیت تا با تریک و تحلیل موقعیت روبه زوال نظام خویره بر نامنه و عمق تهاجم عنان گسیخته شان به جبهه کارگران در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک بیفزایند. در این چهارچوب است که آنها امروزه امکانات چشمگیری را در تمام زمینه ها و در تمام نقاط دنیا بسیج کرده اند تا با تمسک به ورشکستگی رویزیونیستهای خائن و ضد انقلاب، بار دیگر از فروریختن "نیوار کمونیسم" ناسخن دهند و در مقابل، تحت لوی "دمکراسی بورژوائی" برای نیکتاتوری سیاه و ارتجاع لجام گسیخته و در حال زوال خود بازار گرمی کنند.

کارگران دریند و محروم میهن تحت سلطه ما نیز بمثابه گردانی از ارتق جهانی پرولتاریا در گبرودار چنین اوضاع بین المللی است که به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر میستانند. از سوی دیگر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که در طول سالها بنا به ماهیت وابسته به امپریالیسم خویره از هیچ کوششی در راستای اجرای سیاستهای سرمایه داران جهانی در ایران تحت سلطه و استثمار و غارت کارگران و خلقهای زحمتکش ما خودداری نورزیده است، در مقطع فعلی نیز بمنوان یکی از بالفعل ترین ابزار آلت دست امپریالیستها، برای پیشبرد کارزار ضد کمونیستی همه جانبه اخیر در سطح منطقه ایفای نقش میکند. گرایش ستابناک امپریالیستها به کاربرد روزافزون منعب بمثابه ابزاری برای تسهیل استثمار کارگران و طبقات فرودست در دهه های اخیر و به صحنه آوردن و پروراندن جریانات ورژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی که با لفافه های منهبی آرایش شده اند، خصوصیت بارز سلطه امپریالیستی

را در بسیاری از نقاط دنیا تشکیل میدهد. بر بستر چنین سیاست نو استعماری محیلهای است که امروز ما شاهدیم امپریالیستها میکوشند تا مقابله با کمونیسم و مارکسیسم بعنوان سرخست‌ترین دشمنان نشان راه حتی الامکان از کانال منهدب و رژیمها و جریانات منهدبی مزدور به پیش ببرند. و باز هم بر اساس همین واقعیت است که امروز امپریالیستها نقش استراتژیک و مأموریت مهمی را در پیشبرد کارزار ضد کمونیستی و ضد کارگری خویش به رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی محول نموده‌اند. هم از اینروست که ما شاهدیم سران فریبکار رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که بدتبع از نقشه‌های اربابان جهانخواران به یکی از فعالترین محرکه گیران کارزار مسموم ضد کمونیستی بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم در سطح منطقه تبدیل شده‌اند.

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در راستای ایفای نقش خویش در کارزار ضد کارگری و ضد کمونیستی در میهن ما حتی تا آنجا به پیش رفته‌اند که نظام استثمارگرانه جمهوری اسلامی را ایده‌آلترین جریان حامی کارگران و ستمدیدگان در سطح جهانی و بدیل و آلترناتیو کمونیسم و سوسیالیسم جا میزنند. آنها به پیروی از سناریوی نمایر مبتدلی که سرمایه‌داران جهانی بر علیه کمونیسم در سطح بین‌المللی کارگردانی میکنند، نخست حکومتهای ضد کارگری رویزیونیستهای شوروی و اقمارش را مظهر آرمانخواهی کمونیسم و مارکسیسم جلوه داده و سپس افلاس و ورشکستگی روزافزون آنها - که درست انعکاس لاجرم انحرافات و خیانتهای طولانی‌شان به مارکسیسم و کمونیسم است - را در نزد توده‌ها به حساب کمونیسم و مارکسیسم واریز میکنند. و سر آخر در این صحنه پرنازی مسخره ساگان زنجیری امپریالیسم در ایران "نظام اسلامی" و "انقلاب اسلامی" که در حقیقت محصول و بیان یکی از کریه‌ترین دیکتاتوریهای سرکوبگر امپریالیستی طرف چند دهه اخیر در سطح منطقه میباشد را برای طبقه کارگر آلترناتیو و جایگزین کمونیسم و مارکسیسم جا میزنند. تلاشهای فریبکارانه‌ای که اتفاقا در هفته اصلی خود همین هراس بی‌پایان امپریالیستها و رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی از رشد و نفوذ مارکسیسم و کمونیسم در صفوف طبقه کارگر ایران این گورکن نظام سرمایه‌داری وابسته میباشد. تلاشهای مذبحانیه‌ای که بی‌انگرا اعتبار تاریخی این مکتب رها نبخش در میان کارگران آگاه ماست. وجود همین واقعیت است که در دوره اخیر موجد سازماندهی یکی از رنیلانه‌ترین کارزارهای آنتی کمونیستی از سوی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر علیه کارگران آگاه و مبارز ما شده است.

از جنبه دیگر، کارگران آگاه و مبارز ایران اسامال در شرایطی به استقبال اول ماه مه و روز جهانی کارگر میروند که طبقه دربند آنها زیر حاکمیت سپاه رژیم جمهوری اسلامی در یکی از وخیم‌ترین اوضاع کار و معیشت بسر میبرد. اگر استثمار و حقیانه کارگران محروم ما در طول سالها سلطه نظام سرمایه‌داری وابسته همواره یکی از مهمترین منابع غارتگری و تحصیل سودهای نجومی برای امپریالیستها و سرمایه‌داران زالوصفت وابسته را تشکیل داده است. اما این حقیقتی آشکار است که در طول این روند هیچگاه طبقه کارگر دربند ایران تا بدرجه امروزی آماج پوروش بهره‌کشان بورژوازی وابسته قرار نداشته است. طی یکدهه اخیر سرمایه‌داران زالوصفت وابسته و رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، علاوه بر استثمار و حقیانه و اعمال رنیلانه‌ترین اجحافات و مظالم ستمگرانه در حق کارگران، با بهکارسازی گسترده و تحصیل‌گرستگی روزافزون در حق میلیونها کارگر دربند و زحمتکش، با تحصیل و حقیانه‌ترین اوضاع کار و شرایط استثمار در کارخانجات و کارگاهها، با عدم تأمین حداقل نیازهای روزمره زندگی کارگران نظیر مسکن و بیمه و غیره، با غارت اندک دسترنج کارگران تحت نام بنهای کارگری و در یک کلام با مکیدن شیر جان آنها به تشدید بهره‌کشی از کارگران و برکردن جیبهای گشاد طبقه انگل صفت بورژوازی وابسته پرداخته‌اند. اوضاع اقتصادی و چگونگی گذران زندگی فلاکتبار طبقه کارگر در میهن ما

آنقدر وخیم و خطرناک شده است که حتی سران رژیم را ناگزیر کرده که برای جلوگیری از يك انفجار و برای آنکه گرسنگی و فقر روزافزون کارگران مبارک ما به عاملی در جهت پائین آمدن راندمان استثمار آنها بدل شود، در سال جدید مبلغ ناچیز ۱۷ تومان را به پایه حقوقی آنها اضافه نمایند. تا با رساندن حداقل دستمزد به روزی ۱۰۰ تومان، کارگران محروم توان و امکان ادامه کار در جهت تولید ارزش اضافی و ثروت‌های نجومی را برای سرمایه‌داران زالوصفت وابسته نداشته باشند. ضمن آنکه در بعد دیگر هرگاه به مؤلفه‌های فوق، سرکوب ددمنفان و عنان گسیخته هر گونه ندای اعتراضی توسط ارگانهای رنگارنگ سرکوب رژیم در کارخانجات، عدم وجود رسمیت هیچگونه قانون کار واحدی که حتی حداقل موازین و شرایط ضدخلقی استثمار کارگران توسط بورژوازی وابسته در آن منعکس شده باشد و عدم برخورداری از کوچکترین تشکلهای منفی و سیاسی و خلاصه بی حقوقی کامل کارگران میهنمان را نیز اضافه کنیم، آنگاه تصویر روشنتری از اوج فلاکت و تیره‌بختی کارگران محروم مازیر حاکمیت یکی از خونخوارترین دیکتاتورهای مدافع سرمایه‌داران وابسته بدست می‌آید. در جمهوری اسلامی ضدخلقی برای کارگران در نریند ما حتی از کمترین حقوق شناخته شده اقتصادی - سیاسی ای که هم‌زنجیرانشان در کشورهای متروپل از آن برخوردارند نظیر حق برگزاری آزارانه جشن روز اول ماه مه نیز خبری نیست. و اگر در طول سالها بنفرت بهر آمده که مواسمی تحت نام روز جهانی کارگر برگزار شود، این مراسم جز عیمه شب بازی مسخره‌ای که سرمایه‌داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی برای تحمیل کارگران و در خدمت منافع غارتگرانه خود به صحنه آورده‌اند، چیز دیگری نبوده است. افزون بر تمام اینها رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با تصویب برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش که جز برنامه‌ای برای بازسازی و ترمیم نظام سرمایه‌داران وابسته و دستگاههای غارت و سرکوبشان در شرایط پس از جنگ امپریالیستی ایران و عراق نیست، به سازماندهی و اجرای پوری مرگبار دیگری به حیات و هستی خلقهای محروم و در رأس آنها کارگران رنجیده ما پیرناخته است.

رژیم ضد کارگری حاکم، این برنامه را در اوایلین ماههای سال گذشته از تصویب مجلس ارتجاع خویش گذرانده و با تمام قوا مشغول تدارک و بمرحله اجرا برآوردن آن است. مضمون این برنامه ضد خلقی تلاش سرمایه‌داران وابسته و اربابان جهانخوارشان برای بحرکت برآوردن چرخهای زنگ زده اقتصاد پریشان و بحران زده جامعه، از طریق افزایش غارت و استثمار توده‌های خلق و در رأس آنها طبقه کارگر است. در چهارچوب برنامه بازسازی رژیم از هم‌اکنون روشن شده است که میلیونها کارگر زحمتکش و محروم بمنظور تخفیف و کنترل بحران مرگبار اقتصادی گریبانگیر نظام، باید عرق جبین بریزند و تا آخرین قطرات شیره جانشان کفیده شود. این برنامه در حقیقت پوری حساب شده‌ای است که سران فریبکار رژیم جمهوری اسلامی میکوشند با الفاظی تحت عنوان تلاش برای سازندگی و رفاه جامعه که چیزی جز رفاه بیشتر برای سرمایه‌داران زالوصفت و فقر و بدبختی فزونتر برای کارگران محروم نیست، آنها را برای کارگران تشویز کرده و نیت خود را در پشت آن مستتر سازند. در همین رابطه است که رفسنجانی جلاد برای کارگران "نمونه" رژیم موعظه میکند که: کارگر هر قدر در بهبود زندگی جامعه تلاش ناعنه باشد شریفتر است. و اظهار امیدواری میکند که رژیم غارتگر جمهوری اسلامی با استثمار و غارت ددمنفان، کارگران طی برنامه ۵ ساله اول "ثمرات تلاشهای کارگران را در دومین برنامه ۵ ساله ماهد

باشد.

بنابراین تا آنجا که به طبقه کارگر محروم ما مربوط میگردد، ما به ازای عملی اجرای برنامه بازسازی رژیم که حیات و هستی او را تحت الشعاع خویش گرفته، همچون تمامی برنامه‌های اقتصادی دیگر رژیم، ارمغانی جز تیره‌بختی و ادبار بیشتر زندگی کارگران و تاراج افزونتر نیروی کار آنها توسط

سرمایه داران وابسته نداشتند و نخواهد داشت. و سردمداران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با این برنامه در واقع برای بهره برداری به سابقه و تاراج « ثمرات تلاشهای کارگران » توطئه ریزی کرده و دندان غارت تیز نموده اند.

کارگران آگاه و مبارز!

در چهارچوب چنین اوضاع فلاکتباری است که اول ماه مه روز جهانی شما و تجلی نهضت قدرتمند و عالمگیر طبقاتی تان فرا میرسد و بار دیگر این سؤال که چگونه میتوان بندهای انبوه کهنسال بندگی و اسارت را از پاهای توده های کارگرو زحمتکش زدود، در مقابل هر کارگر رزمنده و دارای آگاهی طبقاتی نقش میبندد. برای پاسخ به این سؤال نیز رجوع به تاریخچه نهضت عظیم خود طبقه کارگر در سطح بین المللی حاوی تجربیات مبارزاتی بس ارزشمندی است. صد و چهار سال پیش رهبران فنا کار شما در کوران مبارزه طبقاتی با دشمنان، با فشار خون خویش آموزشهای انقلابی سترگی را در جریان جنبش اول ماه مه، برای تمامی کارگران و محرومان جهان رقم زدند. آنها ثابت کردند که استثمارگران در نظامهای ظالمانه خود هیچ حقی را بجز حق آزادی استثمار و چپاول طبقات فرودست توسط سرمایه داران زالوصفت حاکم به رسمیت نمیشناسند، مگر آنکه این حقوق به یکتوانه، بیکاری سهمگین و طولانی و به توه یکبارچه قهر انقلابی بر آنها تحمیل شده باشد. آنها نشان دادند که برای شرایط بهتر کار، برای آزادی، برای برابری واقعی و برای عدالت اجتماعی نمیتوان و نباید به انتظار عطف و رحم و مروت سرمایه داران زالوصفت، این دشمنان قسم خورده طبقه کارگر نشست و نباید فریب موعظه های آنان را خورد، بلکه طبقه کارگر باید چهره اصلی دشمن خود را شناخته و متحد و یکبارچه برای نابودی آن با ابزار و شیوه های انقلابی و مناسب قد راست کند.

کارگران قهرمان ایران بهمان گونه که امروزه تمامی واقعیتهای جاری زندگی در جامعه تحت سلطه ما نشان میدهند، باید با بی اعتنائی به تمامی تبلیغات تخدیرکننده سرمایه داران وابسته و وعده و وعیدهای فریبکارانه آنان در رابطه با رسیدگی به وضع کارگران و بهبود شرایط کار و معیشتشان بدانند که امر رهائی طبقه کارگر از چنگال خونآلود استثمارگران و از تمامی قیودات اسارت بار دیگر بطرز بیلاواسطه به نابودی تمام عیار نظام ظالمانه سرمایه داری وابسته گره خورده است. چرا که با توجه به سرشت ضد خلقی این نظام هیچ راه حلی در چهارچوب بقای مناسبات ظالمانه موجود برای بهبودی زندگی شما متصور نیست. تجربه ثابت کرده ما نام که مناسبات غارتگرانه کنونی در هر شکل و شماتتی و با هر آرایش و لافافای باقی مانده است، ما نام که نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در مهبان ما با بر جاست و بالاخره ما نام که سلطه امپریالیستی از کانال دیکتاتوریه های سیاه و سرسبزده ای نظیر جمهوری اسلامی بر حیات و هستی شما سطره افکنده، نه تنها کوچکترین حقی برای طبقه شما از تمرکز قدرت دولتی مصون نیست، بلکه زنجیرهای گران اسارت و بندگی روز بروز بیشتر بر پای شما سفت میشود. از اینجاست که میتوان فهمید تثبیت کمترین حقی برای طبقه کارگر در بند مهبان ما به نابودی قطعی این نظام استثمارگر و حافظان جنایتکارش منوط شده است.

پس ضمن راهنمای عمل قرار دادن این حقایق مبارزاتی و با الهام از نهضت انقلابی اسلافتان در اول ماه مه ۱۸۸۶ باید زیر نرفتن مارکسیسم و کمونیسم بمنابۀ تنها علم و مکتب رهائیبخش طبقه کارگر و تمامی ستمدیدگان برای نابودی دشمن اصلی خود یعنی نظام سرمایه داری وابسته بهمان بسته و مقاومت خود را گسترش دهید. باید عزم خود را برای مبارزه ای طولانی و پرفراز و نشیب با دشمنانتان امپریالیسم و سگهای زنجیریش جزم کنید.

”توده‌های های جوان“ در سنگر ”شاه جوان“

در بستر تحولات جریان‌های گوناگون بورژوازی ضد انقلابی که در اپوزیسیون رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار نارنده اخیرا رضا پهلوی این‌س مانده دوران دیکتاتوری سلطنتی در ایران با صدور بیانیه‌ای از ضرورت ”ارتباط و گفتگو با سازمانها و مبارزان راه آزادی“ سخن گفت و آنها را برای ایجاد يك ”رهبری سیاسی“ دعوت نمود. بدنبال انتشار این بیانیه جریان ضدانقلابی ”اکثریت“ اعلام کرد که ”نسبت به سلطنت طلبان“ و از جمله نسبت به ”طرفداران خود رضا پهلوی“ ”تغییر موضع“ ناده و آماده ”ارتباط و گفتگو“ و سرانجام ائتلاف با سلطنت طلبان برای ایجاد يك ”رهبری سیاسی متحد“ می باشد. به این ترتیب ”اکثریت“ جلوه‌نگاری از ماهیت ارتجاعی خود را به نمایش گذاشت.

در مطالبی که تحت عنوان ”بیرامون بیانیه اخیر آقای رضا پهلوی“ در نشریه ”اکثریت“ طرح گردیده این جریان ضمن تاکید بر این امر که ”بسیاری“ از موادی که در ”پلاتفرم ۱۴ بندی رضا پهلوی“ آمده است در ”برنامه پیشنهادی“ او نیز ”بپذیرفته شده“ و ”با هم انطباق دارد“ انتقاداتی را نیز به آن بیانیه وارد دانسته و برای رفع آنها اندرزها و رهنمودهای چندی ارائه میدهد.

قبل از هر چیز اکثریت از ”آقای رضا پهلوی“ و دیگر سلطنت طلبان می‌خواهد که برای اینکه ”دیگرس نیروهای سیاسی کشور“ در ادعاهای آنها در بایبندی به ”دمکراسی“ دچار ”تردید“ نشوند و ”فراخوان“ مزبور را ”جدی“ بگیرند ”قضاوت“ خود نسبت به آنچه برسر ”استقرار دمکراسی در ایران“ در دوران سلطنت پهلوی ”رفته است“ را نیز بیان نمایند و سپس از ترس اینکه میبایست همین درخواستها و انتقادات آبی باروحیات ”دمکراتیک“ !! سلطنت طلبان جور در نیاید و موجب تضعیف زمینه ”هستی ملی“ با آنها گرفته تاکید می‌نماید که: ”انتقادات فوق نسبت به پلاتفرم مورد بحث به هیچ وجه تعیین کننده موضع و سیاست مانسبت به جریان سلطنت طلب نیست“.

اما همانطور که سخن گفتن سلطنت طلبان و از جمله رضا پهلوی از دمکراسی و آزادی برای مردمی که در طول بیش از ۵۰ سال سلطنت پهلوی در ایران، دیکتاتوری سیاه و اعمال سرکوبگرانه رضا شاه و محمدرضا شاه رابا پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند فریبکاری ریاکارانه‌ای بیش نیست که نه تعجب کسی را برمی‌انگیزد و نه از سوی کسی ”جدی“ تلقی میشود، بدون شك ”تعمیر موضع“ اخیر ”اکثریت“

در رابطه با سلطنت طلبان نیز کمتر کسی را می‌تواند به تعجب وادارده چرا که پرونده سراسر سیاه این جریان و مواضع بغایت ارتجاعی اثر در ضدیت با انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای ایران و در حمایت از دیکتاتوری دهنشناک جمهوری اسلامی باعث آنچنان نفرت و در نتیجه شناختی از این جریان در نزد کارگران و توده‌های ستم‌دیده، گشته است که هر موضع ضد خلقی و هر اقدام جنایتکارانه این سازمان نه تنها به هیچ وجه باعث تعجب و ”تردید“ کسی نمیتواند بشود بلکه عکس قضیه تعجب برانگیز و باعث ”ناباوری“ است.

مگر همین ”اکثریت“ نبود که تا بیروز پشت سر خمینی سینه می‌زد و از ”امام امت“ تقاضای مسلح کردن سیاه پاسداران به سلاحهای سنگین را می‌نمود و مگر همین نارودسته منحط نبودند که جنبش خلق ترکمن را بسه قیمت مناظره‌ای تلویزیونی بابینی صدر رئیس‌جمهور آن زمان رژیم - بنسروش رساندند و در سرکوب خلق دلاور کرد با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همکاری نمودند و در حمایت از این رژیم جنایتکار و نذخیمان پلید، تا انجا پیش رفتند که از خمینی تقاضا میکردند با ”نیروهای انقلابی“ که

در فرهنگ ضد انقلابی آنها "گروهکهای امریکائی" نامیده میشوند برخوردار فاطم نمایند. مگر همین اکثریت نبود که در دستگیری و اعدام انقلابیون، همچون حزب توده با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی همکاری کرد و ۷۰۰ و ۷۰۰ و آنگاه در شرایطی که "مام ضد - امپریالیست" شان را اگر نیازی به آنها نداشت و عذرشان را خواست یکباره از ضرورت سرنگونی "رهبر انقلاب" و "جمهوری اسلامی ضد امپریالیست" سخن گفتند!

بنا بر این با وجود چنین گذشته ننگینی همکاری با "سلطنت طلبان" و شخص "رضاپهلوی" برای ایجاد "رهبری سیاسی متحد" چه جای تعجبی می تواند داشته باشد!

با توجه به این واقعیت اما باید دید چرا "اکثریت" در میان همپالنگیهای ضد انقلابی اثر در ابوزیسیون جمهوری اسلامی، برای سلطنت طلبان منفوری که بیش از ۵۰ سال بر علیه کارگران و زحمتکشان دسیسه چیده و در سرکوب خواستها و مبارزات آنها به هر جنابیتی متوسل شده اند، آن هم پیمانسی را می بیند که برای مهیا کردن شرایط ائتلاف با او به "تغییر موضع" نسبت به آنها دست می زند و مهمتر از آن بغرض چنین ائتلافی و تشکیل چنین "رهبری سیاسی متحد"ی با شرکت چنین نیروهائی، این ائتلاف قصد ایجاد چه تغییراتی را در ایران دارد؟

در رابطه با مسئله اول "اکثریت" میکوشد این تغییر موضع را حاصل "زرفرشناخت نسبت به دموکراسی" در نرون خود قلمداد نموده و آنرا جلوه ای از پای بندی اثر به "دموکراسی"

جایزند! امری که دروغین بودند. آنگاه از آنست که برای افشاء آن به زحمت زیادی احتیاج باشد و البته کمتر کسی نیز می تواند آنرا "جدی" تلقی نماید چرا که غیر واقعی بودند با توجه به آن سابقه ننگین کاملاً محرز است. باری با رجوع به نشریه کار شماره ۳۳ ارکان کمیته مرکزی این سازمان براهتی می توان به بخش مهمی از دلایل این "تغییر موضع" پی برد. دلایلی که نشان میدهد آنچه اکثریت را به این "تغییر موضع" "ترغیب" نموده است "امکانات مالی و مادی" و "پیوندهای موثر" سلطنت طلبان با "مخالف حاکمه در غرب" می باشد.

در این زمینه در نشریه مزبور آمده است: "نیروهای طرفدار سلطنت پهلوی برای حدود ۵۰-۶۰ سال قشر متمکن و بسیار ثروتمند جامعه ما را تشکیل می دادند. آنها هنوز هم امکانات مالی و مادی بسیار در دست دارند. و از این نظر یک نیروی موثر اجتماعی محسوب میشوند. آنها همچنین در خارج از کشور و مشخصاً در امریکا دارای نفوذ و امکانات نیرومند هستند و با مخالف حاکمه در غرب پیوندهای موثر دارند" [تاکیدات از ماست] به این ترتیب علیرغم ادعای "زرفرشناخت" از دموکراسی آنها از سوی جریانی که ضد دموکراتیک ترین و جنایتکارانه ترین اعمال از او سرزده و ستایش به خون انقلابیون آلوده است می توان پی برد که چرا ارتباط با سلطنت طلبان برای جانبداران چکمه لیس اکثریتی لازم و مفید بوده و چه دلایلی رهبران "اکثریت" را "ترغیب" نموده برای رسیدن به اهدافشان دست ائتلاف بسوی کسانی

دراز کنند که هنوز هم پس از بیست و نه سال که ستشان از قدرت کوتاه گشته، آثار خون زحمتکشان و انقلابیون بر ستانیشان از بین نرفته است. آخر از هر چیز که بتوان گذشت از "امکانات مالی و مادی" آنها نمی توان چشم پوشی کرد و از آن مهمتر آنها با "مخالف حاکمه در غرب" پیوندهای محکمی دارند و بویژه در "امریکا" دارای "نفوذ و ارتباطات" نیرومندی می باشند و برآستی چه چیز برای ائتلاف با سلطنت طلبان ضد انقلابی برای نیروئی با ماهیت و خصوصیات "اکثریت" از این مطلوبتر و "ترغیب" کننده تر است؟

بنا بر این آنچه که "اکثریت" را به "تغییر موضع" نسبت به سلطنت طلبان و اناخته است تا نه رسد به اصطلاح گرایشات دموکراتیک در این جریان و بدون خود "زرفرشناخت نسبت به دموکراسی" بلکه "پیوندهای موثر" سلطنت طلبان با "مخالف حاکمه در غرب" و دلایلی انباشته شده در حسابهای بانکی شان می باشد که "اکثریت" را اینچنین برای ائتلاف با آنها بی قرار کرده است. به همین دلیل هم همانطور که کسی ادعاهای طرفداری از دموکراسی سلطنت طلبان را "جدی" نمی گیرد، افاضات و بزهای "دموکراتیک" "اکثریت" را نیز "جدی" نخواهد گرفت.

اما زمانی که برای رسیدن به اهداف خود به "مخالف حاکمه در غرب" و امکانات مالی و مادی "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" چشم دوخته است و به این اعتبار نه تنها ائتلاف بسوی سلطنت طلبان نراز می کند و "متحدین طبیعی" خود را در میان رضا

همانقدر به انقلاب شبیه است که "انقلاب سفید" "خدایگان آریامهر" و "انقلاب اسلامی" خمینی جنایتکار به انقلاب شباهت دامت و آن آزادی و دمکراسی ای که "اکثریت" از آن سخن می گوید همانقدر واقعی است که پز آزادی خواهی و دمکرات منصفی سلطنت - طلبان که چون از قدرت به زیر کفشد شده اند حال برای بازگفت به قدرت از دمکراسی و آزادی سخن می گویند و حقیقت نارد.

چنین است که تلاش برای ایجاد "همبستگی ملی" و "رهبری سیاسی" با سلطنت طلبان از طرف جانبداران چکمه لیس اکثریتی نه تنها باعث "شکفتی" نمی باشد بلکه بسیار هم منطقی و طبیعی است که آنها اعلام کنند که "بسیاری" از موارد ۱۴ گانه پلاتفرم رضابهلوی در "برنامه پیشنهادی" آنها نیز "پذیرفته شده" و "با هم انطباق" دارد. آخر اگر چکمه لیس اکثریتی، دهر روز جمهوری اسلامی را "متحد طبیعی" خود شمرده و به "امکانات مالی و مادی" "آخوندها" که "در جمهوری اسلامی ثروتهای کلان به جیب زده اند" به مثابه يك "نیروی موثر اجتماعی" چشم دوخته بودند، امروز از طرف همین "آخوندها" مورد بی مهری قرار گرفته و از سوی آنها رانده شده اند. البته در اینجا چه در رابطه با "تغییر موضع" اکثریت خائن نسبت به سلطنت طلبان وجه در رابطه با علت صدور بیانیه اخیر نوکر خانزاد امریکا رضابهلوی، توجه به نکته مهمی ضروری است و آن اینکه در بررسی تحولات جریانات وابسته و ضد انقلابی قبل از هر چیز

تحت پوشش "ژرفر، شناخت نسبت به دمکراسی" برای حفظ و حراست از این نظام ظالمانه از ضرورت اتحاد بسا "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" جامعه برای ایجاد "رهبری سیاسی" دم می زند.

بلی، ائتلاف با سلطنت طلبان برای ایجاد "رهبری سیاسی" که نه برای خاتمه دادن به شرایط دیکتاتوری و اختناق دیکتاتوری که سراسر زندگی توده های تحت سلطه ما را در چنگال خود میفشرد، بلکه برای حفظ نظام سرمایه داری وابسته و لاجرم تداوم دیکتاتوری ناتی ایمن نظام برقرار میشود جز به معنای تعویض دیکتاتوری جمهوری اسلامی با نوع دیگری از دیکتاتوری نمی باشد. دیکتاتوری از نوع آنچه که "اکثریت" خواب آنها برای کارگران و خلقهای تحت ستم ایران می بینند، یعنی دیکتاتوری که با القاب "دمکراسی" و "آزادی" تزئین یافته باشد و هر عمل ارتجاعی و جنایتکارانه در آن مزورانه بعنوان ضرورت آزادی و "ژرفر" "دمکراسی" بر علیه مردم بکار گرفته شده این نه فقط هدف ائتلاف "اکثریت" با سلطنت طلبان بل هدف نهائی این جریان ضد انقلابی در به - اصطلاح مبارزه اش با رژیم جمهوری اسلامی می باشد. از اینرو تلاش اکثریت برای ایجاد "همبستگی ملی" با "قشر متمکن و بسیار ثروتمند" جامعه یعنی بورژوازی وابسته که دیروز در لهجه "اکثریت" "بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه داران" اعلام میدهد و حال بنا به مصلحت، "قشر متمکن" تلفظ میشود بار دیگر بروشنی نشان میدهد که آن انقلابی که اکثریت از آن سخن می گوید

بهلوی ها و بختیارها و امینها جستجو می کند تنها ماهیت ارتجاعی و ضد - انقلابی اهداف خویش را به نمایش می گذارد و در اینجا است که می توان پاسخ آن سوال را دریافت که اکثریت در ائتلاف با سلطنت طلبان قصد ایجاد چه تغییراتی را در ایران نارد. اگر این واقعیتی است که رژیم سلطنتی شاه به مثابه رژیمی وابسته به امپریالیسم حافظ و مدافع سیستم ظالمانه سرمایه داری وابسته در ایران بوده است "ائتلاف" با "آقای رضابهلوی" نمی تواند جز در خدمت حفظ این نظام و کوشش برای پابرجائی و تداوم آن قسار ناعنه باشد و این خود البته منبعت از هم منظوری و هم بهمانی "اکثریت" منحص با رضا بهلوی و دیگر سلطنت طلبان ضد انقلابی بوده و اشتراك منافعان را در حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران بخوبی نشان میدهد، نظامی که عامل اصلی ادبار و فلاکت توده ها است و سرکوب و حقیقتاً مبارزات توده ها در آن امری الزام آور است، نظامی که دیکتاتوری ناتی آن می باشد.

بلی در شرایطی که سالهاست کارگران و توده های ستمدیده ما برای رسیدن به آزادی و برقراری دمکراسی به نفع کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های ستمدیده بر علیه نظام سرمایه داری وابسته بهاخته و نابودی نظام حاکم که جز به معنای خلق سد از سرمایه داران وابسته و نابودی سلطه امپریالیسم نمی باشد را هدف مبارزه خود قرار داده اند، "اکثریت" این جریان منحص ضد انقلابی بنام کارگران و زحمتکشان اما بر علیه آنها

ائتلاف است نزنند؟ در نتیجه نزدیکی و همکاری سلطنت طلبان و اکثریت به مثابه دو نیروی وابسته را بویژه در این چهار چوب باید مورد توجه قرار داد.

اگر رهنمونهای "حزب برادر" باعث آنچنان "ژرفر شناخت نسبت به دمکراسی" در صفوف اکثریت گشته است که آنها برای ایجاد تفاهم و ارتباط و گفتگو با سلطنت طلبان گام پیش گذاشته اند این واقعیت به خصوص بیانگر این امر هست که دمکراسی مورد انعام امثال اکثریت که این روزها زیاد از آن سخن میگویند چگونه دمکراسی ای می باشد؛ دمکراسی برای جنایتکاران سلطنت طلب - "فسر متمکن و بسیار ثروتمند" - و سرمایه داران وابسته و دیکتاتوری برای کارگران و زحمتکشان که "اکثریت" ریاکارانه خود را مدافع آنها قلمداد می نماید. تحولی که "توده های جوان" را در سنگر "شاه جوان" قرار میدهد به خودی خود افشاگر هر ادعای فریبکارانه ای در مورد این تحول است.



شوروی - که خوش آنرا انقلاب دیگری در شوروی نام گذاری کرده - (x) باعث آنچنان تغییراتی در مواضع "اکثریت" گشته است که هر روز جلوه تازه تری از آن به نمایش گذاشته میشود.

اگر پروستریکای آقای گورباچف قصد آن دارد که با تضعیف مالکیت دولتی و آزاد گذاشتن مالکیت خصوصی و گسترش بازار آزاد در شوروی زمینه مادی "دمکراسی" ادعائی خود را ایجاد نماید و در سطح جهانی نیز بر اساس تفاهم و دوستی با آمریکا و غرب از "امکانات مالی و مادی" امپریالیستها برای فائق آمدن بر بحران حاکم بر اقتصاد شوروی سود جوید - سیاستی که بابت بیانی وسیع "محافل حاکمه در غرب" بویژه "امریکا" مواجهه گردیده است - پس چرا نوکران اکثریتی آقای گورباچف با نوکران امریکسا در ایران به "گفتگو" و ایجاد "رابطه" نپردازند؟ و با بخی از آنها به

(x) چه بسا که اکثریت که مدتها در مکتب "امام" بزرگوارش آموزش میدید در تقلید از او آنرا "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" بخواند!

باید به بررسی تحولات آبخورد اینس نیروها توجه نمود. بر این اساس در رابطه با کوششهای اخیر سلطنت - طلبان و اکثریتی ها برای ائتلات با یکدیگر و ایجاد "رهبری سیاسی" و غیره می توان دریافت که چگونه "تفکر نوین" حزب به اصطلاح کمونسیت شوروی، باعث "ژرفر شناخت نسبت به دمکراسی" در دنبالچه جوانش در ایران گشته و چگونه رهنمودهای "محافل حاکمه" در امریکا طیف سلطنت طلبان را به تکاپو واداشته است.

اگر امریکا برای مواجهه با تحولات غیر قابل پیشگیری در ایران از نوکران سلطنت طلب خود و بویژه "شاه جوان" که سالهاست آنها را در آب نمک خوابانده خواسته است ضمن تشدید فعالیتهایشان به چهره دمنشانه خود رنگ و لعابی "دمکراتیک" نیز بدهد تا زمانیکه سازمان جاسوسی امریکا CIA تصویر "شاه جوان" را بر صفحه تلویزیون جمهوری اسلامی می اندازد مقبولیت بیشتری یابد، "پروستریکای" آقای گورباچف نیز در

جلوه های از دمکراسی و آزادی ادعائی سلطنت طلبان

این عکس یکی از هزاران سند جنایات سلطنت پهلوی است. عکسی که در دوران آخر سلطنت شاه گرفته شده و نشان میدهد نژخیمان دیکتاتوری پهلوی با مبارزین زاهد آزادی چگونه برخورد میکردند و دمکراسی و آزادی نورزیم سلطنتی چه مفهومی در بر دارد.



عمری از: برتولت برهت

قطعنامه

مصمیم: زغالی که هست، ضبط کنیم
نظریه این که: شود خانه گرم با این کار.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

نظر به این که: ندارید این سعادت را
که مزدمان بدهید آنقدر که بتوان زیست،
کنیم ضبط کنون کارخانه‌ها تان را
نظر به این که: بدون شما، همان کافی ست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

نظر به این که: دگر هیچ اعتمادی نیست
به قول و وعده، حکام بی‌عرف ما را،
مصمیم که: گام نخست، آزادی ست -
به دست خویش بنا می‌کنیم فردا را.
نظر به این که: زبان شماست غرض توپ
و هست قابل فهم این زبان بدون لرنک،
مصمیم که: این درس را فراگیریم:
به سوی تان گردانیم لوله‌های تفنگ.



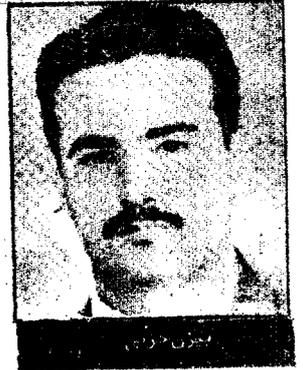
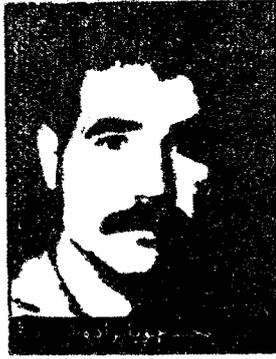
نظر به این که: همین ضعف، داده قدرت تان
که بگذرانید این سان به نفع خود قانون،
مصمیم: نیابیم ازین به بعد ضعیف
و نیست قانون را هیچ اعتبار اکنون.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

نظر به این که: همیشه گرسنه می‌مانیم
زیس ربودن ارزاق و نان تان پیشه ست.
مصمیم که: ثابت کنیم بین ما
و نان خوب، اگر حائلی ست، یک پیشه ست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

نظر به این که: نداریم خانه‌ای از خود
به گردمان همه جالیک خانه‌ها خالی ست،
مصمیم که: آن خانه‌ها شوند اشغال،
لرون زاغه دگر کارگر نخواهد زیست.
نظر به این که: به تهدید می‌کنید اقدام
به جانب سرما با تفنگ رفته نشان،
مصمیم: نترسیم دیگر از اعدام
بدست مرگ، ولی بردگی ست بدتر از آن.

نظر به این که: بدون زغال، یخ زده‌ایم
ولی زغال فراوان نهفته در انبار،

گرامی با ذخیره رفقای شهیدی که در تپه‌های اوین بدست جلادان شاه مزدور اعدام شدند



پیام چریکهای فدائی خلق ...

از صفحه ۴۰

مهلک و نکست یاری که جامعه مادران گرفتار آمده، درمان نخواهد شد.

بله تنها یک راه وجود دارد، راه انقلاب، راه مبارزه‌ای شترک و خونین بر علیه امپریالیسم و مکان زنجیرش، باید مادرک تفاوت شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بقدرت رسیده و به رتق و فتق امور می‌پردازد یا شرایطی که رژیم مزدور شاه به زعامت از امپریالیستها به حکومت مشغول بود و شخص ما هست یکان عملکردهای گاه به لحاظ صوری کاملاً متفاوت این دو رژیم، بر ضرورت حتمی قطع وابستگی به امپریالیسم و نابودی هر رژیم مزدور و دست نشانده تاکید نموده و رژیم جنایتکار و ضد خلقی جمهوری اسلامی را بمثابة رژیم‌سی مزدور و وابسته به امپریالیسم آماج حملات اصلی خود قرار دهیم و در این مسیر باید ضمن افشای چهره کسانی که با داعیه آزادیخواهی و اعتقاد به برقراری دیکراسی در

ایران خود را آلترناتیو رژیم مشغور جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند ولی با دفاع از سیستم سرمایه‌داری وابسته، موافق جز تداوم شرایط صمیمیت با ناشی از این سیستم راهی پس از پای خلقهای ما قرار نمی‌دهند، همه نیروی خود را بر علیه امپریالیسم و مزدوران و نوکران ریز و درشت یکار کنیم، راه مارا انقلاب اجتماعی، راه جنگی سوده‌ای و طولانی است تا در مسیر آن منطقه به منطقه میهن خود را از قید امپریالیسم رها کنیم و جمهوری دموکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر را برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم، به مثابه تنها راه نسل به آزادی و عدالت اجتماعی، مستقر سازیم، نوروز واقعی کارگران و زحمتکشان ما تنها آنروز فرا خواهد رسید.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
فروردین ۶۹

گزارش هیات تحقیق، در خدمت تطهیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

جریان سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران در رابطه با بررسی نقض حقوق بشر بوسیله جمهوری اسلامی و انتشار گزارش رسمی این هیات که در خدمت تطهیر چهره بغایت جنایتکار جمهوری اسلامی قرار داشته و در همان حال نشاندهنده گوشه‌ای از کوششهای اربابان امپریالیست این رژیم ددمنش در جهت تسهیل شرایط پمپبرد برنامه‌های غارتگرانه شان در ایران بود و بار دیگر مواضع اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نیز بروشنی در مقابل توده‌ها به نمایش گذاشت.

از مدح و ثناهای جمهوری اسلامی در باره گزارش ساختگی این هیات که بگذریم (*) بررسی واکنش جریان‌های مختلف در اپوزیسیون وسیع مخالف رژیم خود حاوی تجربیات قابل ملاحظه‌ای است.

سلطنت طلبان کناره‌نشین که بساطشان سالهاست بدست توانای خلقهای مبارز ما از ایران برچیده شده، اسرا و "عصیت" های درجه دومی نظیر مدنی و گنجی و بالاخره جلایان مخلوع و "مفضوبی" همچون بنی‌صدر و سایر ریزه‌خواران امپریالیسم از این قماش، از زمره جریان‌های و اقوادی بودند که

اطهارات و مواضعشان در رابطه با این "گزارش" بار دیگر نقاب از چهره کزیده آنها برکنید و ماهیت ضد مردمشان را در انظار توده‌های ستم‌دیده ما بنمایش گذارد. همه این نارودسته‌های ضد انقلابی - البته با الحان و درجات متفاوت - برای گزارش جعلی هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل که از هیچ کوششی در تیرتیر و تطهیر رژیم خون - آغام جمهوری اسلامی فروگذاری نکرده بود، کف زدند و آنرا ستودند. و الحق که بلندگوها و رسانه‌های تبلیغاتی امپریالیستی، از صدای آمریکا گرفته تا بی بی سی و دیگر خبرگزاریهای امپریالیستی برای نفر اکانیب آنها، بسطون دغدغه نهایت انرژی و امکانات لازم را تخصیص دادند.

در این رابطه بنی‌صدر رئیس جمهور مخلوع جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای با رادیو آمریکا در تاریخ ۹ اسفند پیرامون "گزارش" چنین میگوید: "اما این اولین گزارشی است که بعد از مقاومت‌های بسیار این رژیم بعمل آمده و به این عنوان میشود گفت که یک موفقیتی است برای همه" او نهائی که طالب آزادی و استقلال ایرانند و مایلند که انسان در اون سرزمین حقوق داشته باشد.

ماه نوشت: "اینجانب با کمال خرسندی مراتب قدردانی و تشکر خود و برادران عزیز و همکارم را به آن جناب اعلام میدارم." همچنین کیهان هوائی رژیم در شماره ۱۶ اسفند ماه خود "گزارش" هیات تحقیق را "گزارشی مثبت" توصیف نمود. و بالاخره آخوند جزایری، امام جمعه رژیم در اهواز نیز با بلاغت خاص خود از قول یزدی رئیس قوه قضائیه و آخوند مقتدائی، در تاریخ ۱۱ اسفند ماه در نماز جمعه اعلام کرد: "آقایان خوشحال بودند. گفتند که ما داریم یک کارهایی می‌کنیم، دعا کنید این حقایق را که ما داریم به آنها ارائه می‌دهیم، اینها را بخش بکنند و دیگر ما از آنموقع منتظر بودیم که نتیجه چه خواهد شد و بحمدالله نتیجه مثبت شد" [تاکیدها از ماست]

(*) برای آنکه درجه رضایت خاطر سران و مقامات جلاذ رژیم از "گزارش" هیات تحقیق را بهتر بفهمیم ذکر چند نمونه از واکنشهای آنها در این مورد خالی از فایده نیست. لاجوردی، این تزخیم منفور رژیم جمهوری اسلامی، در سمت سرکرده سیاهچالهای رژیم، طی نامه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه دولت، مراتب سیاستگذاری خود را از "گزارش" هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل ابراز داشته و به نمایندگی از جانب تمام شکنجه‌گران دیگر رژیم، ضمن آنکه جنایات روزمره مزدوران جمهوری اسلامی در سیاهچالها بر علیه زندانیان سیاسی را "فعالیت‌های نورانی و بشر دوستانه" (۹۱) توصیف کرده در روزی نامه اطلاعات ۱۴ اسفند

این حقیقتی است که تنها افراد و جریانانی که به تحوی از انعام منافع طبقاتی ضد خلقیشان به ارتکاب جنایاتی نظیر جنایات رژیم دمنش جمهوری اسلامی گره خورده و یا به هر شکل، تداوم حیانتان با حفظ و اعمال اینگونه روشهای ارتجاعی تر حق نوده‌ها معنسی می‌دهد، قانند تا به این حد نفرت انگیز از گزارشی که اساسا برای تطهیر حتی المقذور چهره کریمه نیکتاتوری و نظام سرکوبگر حاکم تهیه شده بختیانی و وقیحانه آن رامورد تأیید و تکریم قرار نهند. در این زمینه آنچه که درباره‌ایمن طیف و مواضع ارتجاعیشان تر پیوند با "گزارش" هیئات اعزامی سازمان ملل راجع به حقوق بشر در جمهوری اسلامی بیتر از پیش مشهود گشت، همانا واقعیت وحدت و هم جبهتی استراتژیک این شد انقلابیون وابسته با رژیم جمهوری اسلامی تر امر سرکوب جنبش انقلابی خلقهای تر بند و مبارز ما بوده می‌باشد.

با تأیید بر آب و تاب و ریاکارانه گزارشی ساختگی هیات تحقیق سازمان ملل توسط نارودسته‌های تطهیر طیف سلطنت طلبان و جلانان غناخته شده‌ای تطهیر بنی‌صدر و مدس و گنجی و سایر شرکا، یکبار دیگر صحت این تحریک انقلابی ثابت گشت که مفاهیمی همچون "آزادی" و "دمکراسی" و "حقوق بشر" و ... در نزد طبقات مختلف اجتماعی معانسی مختلفی نارند. اگر در این مرحله از انقلاب، آزادی از نظر کارگران و توده‌های ستم‌دیده، تأمین آن حقوق دمکراتیک به یغما رفته و با یمال شده‌ایست که استقلال، عدالت اجتماعی و دمکراسی را برای وسیمترین اقشار تحت ستم امپریالیسم تضمین میکند، ولی تر عوض، آزادی از نقطه نظر وابستگان و مرتجعینی تطهیر نارودسته‌های فوق - بمثابه گرایشات گوناگون طبقه بورژوازی وابسته به امپریالیسم - حصول به آن شرایط ضد خلقی ایست که آنها با سلب آزادی اکثریت جامعه یعنی طبقات تحت ستم، بر اریکه قدرت نهسته باغند؛ که تر اینصورت آنها همچون گذشته خواهند توانست با تکیه به قدرت امپریالیستها و با توسل به موسساتی تطهیر ساواک و سایر دستگاههای اعمال ستمگری و سرکوب به با یمال نمودن دمکراسی و بدیهی‌ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خلقهای تر بند مبارت نمایند. در این مهبان "دمکراسی" و "آزادی" تر فرهنگ آنها الفاظی هستند که تر شرایط متفاوت اساسا برای تزئین چهره کریمه نیکتاتورهای خوفناک طبقه استثمارگر وابسته‌ها تر کاربرد نارند. بالنتیجه

منوچهر گنجی از وزرای رژیم آمریکائی شاه و از ما موران شناخته شده سازمان جاسوسی امریکا در ایران از زمسره "شخصتهای" شناخته شده دیگری است که بلندگوهای امپریالیستی برای تأهید گزارشی جعلی "هیات تحقیق" و او را بهت تریبون آوردند. وی نیز تر تاریخ فوق الذکر تر صاحب با رانمو امریکا، ضمن دفاع از گزارشی کذائی مزبور با حرارت بسیار عنوان میکنند که "گزارشی رو فکر مهکتم یک چیز بسیار سنجیده‌ایست" و که تر نقش یک "حقوق دان" و "مخبر سابق کمسیون حقوق بشر سازمان ملل" تر ایران به صحنه فرستاده شده است تا از "گزارش" هیات تحقیق دفاع کرده و "جانبداری" آشکار آنها از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و اعمال جنایتباری تر حسی نوده‌های ستم‌دیده ایران انکار کند، ضمن تعریف و تمجیدهای بسیار از "احساس مسئولیت" رئیس این هیات امامس می‌دهد: "آنچه که من گزارشی رو خونم مهبینم که ایمنون کوئم کرده که خیلی صافانه مسائل را باهاش مواجه شده" و "بعقیده خود من از اینجوری نمی‌بینم که چنین چیزی باشد که بخواد جانبداری بکنه" و "سراخر نیز مدنی، این جلاذ شناخته شده خلق عرب تر سری همین صاحبها تر همان تاریخ درباره گزارشی می‌گوید: "باید عرض کنم که این گزارشی صحیح، بنده دیدم و بیشتر خبرگزارها هم پیش کردن و حقیقت تلخی ست که آشکار شده ... به این ترتیب جلانان معلوم الحالی تطهیر این طیف که هر یک تر دوره‌های مختلف حاکمیت نیکتاتوری‌های امپریالیستی تطهیر شاه و جمهوری اسلامی، خود مظاهر بارز نقض حقوق بشر بوده و ستانسان نامرفی به خون کارگران و توده‌های محروم ما آغشته است با رنگ و لعابهای متفاوت - و صد البته از موضع "مخالفت" جمهوری اسلامی - کوشیدند که با ریاکاری تمام "گزارش" رسوا، هیات تحقیق سازمان ملل را سندی "صحیح" "سنجیده" "موفقیتم آمیز" "مادقانه" و ... که برای "محکوم کردن" جنایات رژیم جمهوری اسلامی کافیت جابزنند و آن را تر نظر توده‌های تر بند و رنج‌دیده ما مقبول جلوه نهند و بسا چنین تکریم و شناسی از گزارشی جعلی هیات تحقیق سازمان ملل به تطهیر چهره جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بپردازند. تر حالیکه همین تلاشهای خائفانه بنوبه خویش بیانگر آبرو باختگی گرانندگان این هیات و رسوائی گزارشی جعلیان تر اذهسان توده‌های آگاه ما است.

برای "هورای" خود بعنوان "تنها آلترناتیو و تبدیل" این رژیم بنیبت برسانند. اما همین رفتار نیز بنویسه خود جلوه دیگری از تاکتیک معروف فرار بجلوی سازمان مجاهدین را بنمایش گذاشت.

عدم تحقق چشم اندازها و تحلیل‌های کوتاه بینانه سابقه دار این سازمان، عدم تحقق تیز سرنگونی کوتاه مدت و میان مدت رژیم "ضد بعثی" و بالآخره بن بست ارتش آزادیبخش ملی در "جنگ آزادیبخش" و در یک کلام شکستهای پی در پی این "تنها آلترناتیو و تبدیل" رژیم جمهوری اسلامی که نمایانگر بن بست تمام عیار رهبری مجاهدین خلق میباشد، در رابطه با سفر هیات تحقیق سازمان ملل نیز جلوه دیگری از بی‌اقتی خود را بنمایش گذارد.

رهبری مجاهدین که مدت‌های مدیدی است برای سرنگونی "پس مانده‌ها" و "بقایای" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی خود را در جنبه "فعالیت‌های بین المللی" محصور کرده است، در این چهارچوب حساب‌های بسیاری را بر روی سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران باز کرده بسود حقیقتی که تبلیغات وسیع این سازمان مؤید آنست.

اگر رهبری "نویسن" مجاهدین از مدت‌ها پیش از سفر هیات اعزامی به ایران چنان به تکاپو افتاده بود که موکدا خواستار اعزام نمایندگان ناظر از سوی خود به همراه این هیات به ایران بوده، اگر توهم پراکنی‌های تبلیغاتی این سازمان به طرز ابلهانه‌ای سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل را تنها و تنها نتیجه وزن و موقعیت مجاهدین و فعالیت‌ها و افشاگرهای رهبری "نویسن" در سطح بین المللی جامه زده اما انتشار "گزارش" کار هیات مذکور آب سردی بود که به یکباره بر آتش تبلیغاتی طولانی مدت مجاهدین حول این مسئله ریخته شد. "گزارش" با جعل آشکار واقعیات دهشتناک نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی و با تطهیر چهره این رژیم معلوم کرد که بار دیگر تمام حسابگرهای رهبری مجاهدین حول نتایج سفر هیات مزبور غلط از کار درآمده است. ناکامی تلخ و شکست رهبری مجاهدین در این زمینه را بطور اولی میتوان در آه و قفانهای معتناهایی که اطلاعیه شکوایه‌آمیز سازمان مجاهدین در باره "ارائه گزارش کمیسیون ویژه حقوق بشر در تهران" را در بر گرفته است، مشاهده نمود.

در اطلاعیه مجاهدین می‌خوانیم "از نظر مردم و مقاومت

در جامعه تحت سلطه ما و بویژه در شرایط فعلی، اینها زیر پرچم دفاع از "آزادی" و "حقوق بشر" در ایران تنها خواستار جایگزین شدن ماکهت نارودسته ضد خلقی خویش بسا نارودسته ضد خلقی کنونی در مابین دولتی هستند.

با توجه به این حقیقت است که امثال اینگونه مرتجعین نه تنها نمیخواستند بلکه نمیتوانستند گزارش سراسر جمل "هیات تحقیق" در مورد نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کنند. آنها به لحاظ تعلق طبقه‌تلفان نه میخواهند و نه میتوانند با آن جناباتی که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بطور روزمره با کشتار و شکنجه توده‌های بی‌خاسته و برای حفظ نظام سرمایه‌داری وابسته مرتکب معصود همگونه مخالف ماهوی و اصولی ناامته باغند. چرا که بندهند حیات ننگین چه سلطنت طلبان و چه جلالانی نظیر بنی‌صدر و مدنی و گنجی و عرکا و غیره نیز با جنایات و ددمنش‌هایی گره خورده که اساس اعمال آنها ضرورت حفظ و پاسداری از دیکتاتوری امپریالیستی موجود تشکیل میدهد. حقیقتی که تمامی مرتجعین فوق‌الذکر در طول سالها و در دورانهای متفاوت حکمرانی‌شان بر حیات و هستی توده‌ها آنرا بعینه بمنصه ظهور رسانده‌اند. امک تصاح ریختنهای گاه و بیگاه آنها در قفای "آزادی" و "حقوق بشر" نیز در حقیقت برای آن نوع "آزادی" و "حقوقی" است که سالهاست بنا به مصالح اربابان نشان از کف آنان ربنوده شده و هم اینک در دست شرکایشان در رژیم جمهوری اسلامی متمرکز گفته است. کلیت مواضع نارودسته‌های سلطنت طلب و جلالان رخت بر بسته‌ای نظیر بنی‌صدر و مدنی و ... حول "گزارش" هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل در این چهارچوب قابل تبیین است.

در طیف وسیع اپوزیسیون جمهوری اسلامی صرفنظر از مواضع ارتجاعی نارودسته‌های کاملاً شناخته شده وابسته بسه امپریالیسم در رابطه با سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران، چگونگی برخورد سازمان مجاهدین خلق به سفر این هیات و "گزارش" آن بار دیگر افشاگر مواضع سازدکارانه و فریبستی این سازمان میباشد.

قبول سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل بمنظور بازنمد از سهاچالهای رژیم، برای "رهبری نویسن" سازمان مجاهدین خلق فرصت نویسی بود تا بار دیگر با تبلیغات فراوان بگویند "شکست" دیگری برای جمهوری اسلامی و "پهروزی" بزرگی

" بی جهت نبود که مقامات رژیم خمینی در محافل خصوصی تاکید می‌کردند که برای گسترش رابطه با برخی کشورها و دریافت کمک‌های لازم برای اینکه این کشورها بتوانند تضمین سیاسی شان را آسانتر بگیرند و بحث حقوق بشر را جمع کنند، حالا باید با این "دویل" همکاری کنیم تا ساله را حل کنیم. خود دویل می‌نماید اگر ما یک تضمین مطمئن نداشته باشیم، اصلا روی سفرش تصمیم قطعی نمی‌گیریم و اصلا نمی‌بینیم". (رادیو مجاهد ۱۲/۸)

در ادامه این "افشاگری" که البته زمانش کمی "دیر" شده و بیشتر بدرد افشای خود مجاهدین می‌خورد، سازمان مجاهدین خلق تاکید می‌کند که "عین سخنان سیروس ناصری سفیر رژیم خمینی در سازمان ملل متحد در زنی که به صدای خود او روی نوار ضبط شده در اختیار مقاومت ایسران است".

اطلاعیه مجاهدین، اعتراف به "شکست" اعلام نشده‌ای از سوی رهبری این سازمان است که در ضمن یک تفاوت اساسی با ناکامیهای متوالی پیشین این سازمان نیز دارد. در جریان سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل، "رهبری" مجاهدین با وجود اینکه بنا به اعتراف مریح خویش، پیشاپیش از "معامله بخت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی" و "توطئه چینی" مشترک این رژیم و مراجع نظیر گردانندگان هیات تحقیق آگاه بوده است، رهبری مجاهدین با وجود اینکه به قول خویش اطلاعاتی از سفیر رژیم در سازمان ملل مبنی بر "همکاری با دویل" و "تضمین مطمئن" جمهوری اسلامی از سفر این هیات به ایران و... را در اختیار داشته است، اما با این وجود، با سکوت در مقابل این "توطئه" پیشاپیش طرح‌ریزی شده بر علیه "مردم و مقاومت ایران"، همچنان با بوق و کرنا، فراوان حول تحولات سفر این هیات و چشم اندازهای آن مشغول توهم پراکنی در میان "مردم و مقاومت ایران" بوده است.

بنابراین با بررسی مواضع سازمان مجاهدین حول ماهوریت "هیات تحقیق سازمان ملل" در ایران روشن می‌گردد که همسویی آشکار مواضع این سازمان با تبلیغات ریاکارانه امپریالیستی، - که اساسا در طول این جریان برای تحمیل توده‌ها و پنهان ساختن منافع شخصی که در ورای این تاکتیک سازمان یافته بود، بحث به هیچ رو بر سر ناآگاهی و ناهمپی رهبری "نویسن" مجاهدین نیست - چه، حداقل اطلاعیه رسمی این سازمان موید آن است که مجاهدین خلق پیشاپیش از زدوبند

ایران، این گزارش کاملا مخدوم، مغرضانه، و عاری از اعتبار و صرفا حاکی از یک معامله پشت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی است که پیشاپیش برای بدست آوردن آن برنامه ریزی و توطئه چینی کرده بودند" تا اینجا، اطلاعیه مجاهدین - ظاهرا مطلب تازه و غیر قابل پیش بینی ای را مطرح نکرده است - چراکه همانگونه که ما در قسمت پیشین به تفصیل توضیح دادیم، اصولا سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران و قبول آن توسط جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت وابسته به امپریالیسم این رژیم و با توجه به رویه‌ای که مدت‌هاست امپریالیستها مطابق اقتضای منافعشان به منظور تطهیر چهره کریمه این رژیم در سطح بین المللی در پیش گرفته‌اند، قابل تکرار می‌باشد. بنا بر این روشن است که در چنین چارچوبی "گزارش" این هیات نیز در مورد نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران با توجه به ماهیت گرانندگان نمی‌توانست خارج از حیطه این سیاست امپریالیستی و جز سند براهتی که برای تیرتیر جمهوری اسلامی تنظیم شده بوده باشد، (x) واقعیتی که حتی از زمان قبول سفر این هیات به ایران توسط مقامات جمهوری اسلامی، شواهد و ادله بسیاری در تایید آن وجود داشت. لیکن آنچه که در ادامه اطلاعیه مجاهدین پیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، عبارت از این نکته است که بنا به ادعای آنها، این سازمان از ابتدا بر انجام این "معامله بخت پرده و مطلوب" و "برنامه ریزی" و "توطئه چینی" پیشاپیش مقامات رژیم به منظور حصول به آن وقوف کامل داشته است.

سازمان مجاهدین خلق در ادامه اطلاعیه خود می‌نویسد:

(x) اگر رهبری مجاهدین خلق توان و آمادگی درگیری از این وقایع را نداشت آنگاه می‌توانست از جریان سفر هیات تحقیق "به ایران تکرار کند که آن دستها و نهروی محرکه‌ای که هراز چندگاه یکبار بسته به شرائط مشخص در مجمع سازمان ملل یا پارلمانها و یا مراجع بین المللی ای از این قبیل با صدور قطعنامه‌های رنگارنگ و فریبنده "بهر روزیهای دوران ساز" آنجنانی برای رهبری "نویسن" رقم می‌زنند، هر آنگاه که مصالحان ایجاب کند قانرند برغم بهت زدگی مجاهدین خلق "شکستهای" خفت باری هم نصیب این "تنها آلترناتیو" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی گردانند.

سازمانی که تا دیروز سفر این هیئت به ایران را پیروزی بزرگی برای خود به حساب می‌آورد شکست بزرگی تلقی می‌شود که باید آنرا به لیست شکستهای مکرر رهبری مجاهدین اضافه نمود. شکستی که در همان حال نشان میدهد چگونه رهبری مجاهدین به ملعبه دست دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستی تبدیل گردیده و در هم نوائی با این دستگاهها و توهم پراکنی در رابطه با سفر "هیئت تحقیق" تا آنجا پیش می‌رود که با اینکه بنا به ادعای خود این رهبری اطلاعاتی از زوایای پشت پرده و "توطئه‌های از پیش طرح ریزی شده و مطلوب رژیم خمینی" در اختیار نداشته است آنرا مسکوت گذاشته و همچنان به گرم کردن آتش تبلیغات دشمنان مردم ایران در این زمینه ادامه داده است.

ادامه دارد

جمهوری اسلامی با این هیات مطلع بوده‌اند. حال همین رهبری بدون هیچ عذر و بهانه‌ای باید به "مردم و مقاومت ایران" و همچنین به هواداران خویش توضیح دهد که آیا برای رفتار آگاهانه می‌توان هیچ نام دیگری به غیر از عوامفریبی و توهم پراکنی نهاد؟ بنا بر این با بررسی مواضع سازمان مجاهدین حول مأموریت "هیات تحقیق سازمان ملل" در ایران روشن می‌گردد که چه مسوولی آشکاری فی مابین تبلیغات ریاکارانه امپریالیستی در رابطه با سفر این هیئت و مواضع این سازمان بوجود آمده و چرا انتشار گزارش هیئت اعضای سازمان ملل به ایران به مثابه خنجری از پشت در قلب "مقاومت ایران" اعلام میشود.

بدون شك انتشار گزارش نفرت‌انگیز هیئت مزبور برای

کرستان - عیساگو		کانادا		سوئد	
۱۰۰ دلار	بهرروز دهقانی - واعنگتن	۵ دلار	آرش	۱۰۰ کرون	احمد زاده
۵۰ دلار	رفیق حسین علیجانی - هوستون	۱۰ دلار	بدون کد	۲۵۰ کرون	نیئا
۳۰ دلار	قفتوس - نوانا		فرانسه	۲۱۵ کرون	صفائی فراهانی
۴۰ دلار	منصور فرشیدی - نوانا	۱۰۰ فرانک	شیرین فضیلت کلام	۱۸۴ کرون	نیئا
۲۰۰ دلار	مدد بهرنگی - میامی		امریکا	۲۰۰ کرون	عنابی
۱۵۰ دلار	ف - ف - کالیفرنیا	۵۰ دلار	میرهادی کابلی - بالتیمور	۱۰۰ کرون	مهین جهانگیری
۱۰۰ دلار	الف - الف - نیویورک	۳۰ دلار	مهرنوش - بوئا	۵۰ کرون	ارژنگ شایگان
۷۵ دلار	ب - ب - کالیفرنیا	۳۰ دلار	ناقوس - هوستون	۱۰۰ کرون	صفائی فراهانی
۵۰ دلار	ن - ک - نیویورک	۱۰۰ دلار	کاوش - هوستون	۳۰۰ کرون	شهبان گمنام
۲۵ دلار	رزمندگان چریک - اوهايو	۱۰۰ دلار	چریک فدائی - هوستون	۲۷۵ کرون	سازمان هواداران چریکهای فدائوسی
۵۰ دلار	رفیق اعرف دهقانی - کانزاس	۵۰ دلار	خلق عرب - هوستون	۲۰ کرون	خلیق
۱۵۰ دلار	باران - میامی	۴۰ دلار	۱۶ آذر - هوستون	۱۰۰ کرون	با ایمان به پیروزی راهمان
۲۰ دلار	مهرزاد - بوئا	۱۵۰ دلار	رفیق مفتاحی - کلمبیا	۲۰ کرون	انگلستان
۵۰ دلار	نادر - بوئا	۵۰ دلار	مدد - دالاس	۲۰ پوند	مانر
۱۰ دلار	مدد بهرنگی - اکلاهما	۲۶ دلار	کانور - دالاس	۲۰ پوند	شفق
۲۰۰ دلار	مریم کیانی - دنور	۵۰ دلار	مریم کیانی - دنور	۲۰ پوند	خشیار سنجری
		۱۰۰ دلار	سیاهکل - عیساگو	۲۰ پوند	روح انگیز دهقانی
		۱۰۰ دلار	کرستان قهرمان - آلبا کرکی	۲۰ پوند	بهرروز دهقانی
		۷۵ دلار	پرومته - آلبا کرکی	۲۰ پوند	
		۱۷۰ دلار	نیکی - میامی	۱۰ پوند	
		۸۰ دلار	فر - میامی		



گزیده‌هایی از صدای چریکها:

جمهوری اسلامی و روز جهانی کارگر

۶۹/۲/۵

کارگران نربند و آگاه ایران! چند روز بیشتر به اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) باقی نمانده است. اینروز، روز جهانی شما و تمامی همسنگرانان در سراسر دنیا است. بازه اردیبهشت (اول ماه مه) روزی است که طبقه کارگر اراده خود را بمنسوان يك نیروی نوران ساز، مستقل و عظیم اجتماعی بر دشمنان خویش تحمیل کرد. به نیروی همت و مهارت کارگران در این روز بود که حق ۸ ساعت کار و سپس برخی حقوق حداقل دیگر به سرمایه داران غارتگر و رژیمهای حافظ آنان تحمیل شد. اما این دستاوردها به آسانی حاصل نشده و امروز نیز حفظ آن در بسیاری از نقاط براهتی امکانتی نیمیابد.

هم زنجیران شما و در رأس آنها رهبران دلاور کارگران شیکاگو خون خود را بهای رسیدن به این بهروزی و کسب بخشی از حقوق پایمال شده کارگران کردند. با این وجود، برای حفظ و نگهداری این بهروزی و برای بسیاری از خواستهای عادلانه دیگر، ارتش جهانی کارگران، در سراسر گیتی هنوز هم همه ساله، در جبهه‌های نبرد با سرمایه داری، قربانیان فراوانی دهد. بسیاری از

درباره مضحکه اشغال سفارت امریکا

۶۹/۲/۱۷

طرف روزهای اخیر خبرگزاریها گزارشی دادند که سرانجام يك بازرگان امریکائی که بدلیل افشاگریهایش در مورد ملاقات مقامهای انتخاباتی ریگان و بوش در سال ۱۹۸۰ با نمایندگان جمهوری اسلامی متهم به تروغگوئی شده بود، بیگناه شناخته شده است.

براساس این گزارش بازرگانی بنام ریچارد یانگ هنگامیکه در سال ۱۹۸۰ در سازمان جاسوسی امریکا CIA کار میکرد، است، ترتیب ملاقاتهایش را بیسین مسئولین انتخاباتی ریگان - بوش و نمایندگان جمهوری اسلامی داده بود تا سردمداران جمهوری اسلامی با به تاخیر انداختن آزادی ۵۲ گروگان امریکائی - سفارت امریکا در تهران - به پس از انتخابات ریاست جمهوری امریکا موجب پیروزی ریگان در انتخابات آن زمان را فراهم نمایند.

ریچارد یانگ مأمور سازمان جاسوسی امریکا CIA در سال ۱۹۸۸ با افشای این واقعیت تحت تعقیب قرار گرفته و متهم به تروغگوئی شده بود ولی اینک وی از طرف دستگاه قضائی امریکا بیگناه شناخته شده و به این ترتیب مقامات امریکائی دهسال پس از سازماندهی نماینده مضحک اشغال سفارت امریکا در

در صفحه ۳۳

سرمایه داری وابسته عامل

اصولی فساد

۶۹/۲/۲۹

چندی پیش از رسانه‌های رژیم خبری بخش گریید مبنی بر اینکه برخی یکماه گذشته سیاه باسداران ضد خلقی طی انجام یکی از وظایف ضد انقلابی خویش که تحت پوشش مبارزه با منکرات صورت می‌گیرد، بقول خودشان چند «لانه فساد» را متلاشی ساخته است. رادیوی رژیم با آب و تاب کامل در توصیف این عمل گویا «تحسین - برانگیز» سیاه باسداران از کشف و ضبط تعداد قابل ملاحظه‌ای از وسایلی تلویزیون و ویدئو، نوار، عکس، اسلاید، محله و کتاب اسم برد درحالیکه کلمه «فساد» را بعنوان «ترجیح بنشد» در مورد همه آن ابزار و وسائل بکار میبرد.

ساله‌ای که در اینجا جلب توجه می‌کند آنست که بدانیم در فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی، چه چیز منکرات، لانه فساد و مبتذل نامیده می‌شود و سؤال دوم آنکه باید پرسید چگونه است که ۱۱ سال پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی و در حالیکه این رژیم همواره و با شدت تمام و تقریباً در صحنه برنامه‌های تبلیغاتی خویش بر علیه آنچه که منکرات می‌نامد بطور مستمر مبارزه کرده است نه فقط نتیجه‌ای بدست نیاورد بلکه بر ابعاد آن موارد

در صفحه ۲۵

سرمایه داران وابسته مفتخور و اربابان امپریالیستمان اضافه میفود. همه اینها معلول حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و یک درد ریشه دار و فزاینده در جامعه ما یعنی درد تحت سلطنتی است. اساسی ترین عامل فقر و ادبار عساکارگران و سایر توده های رنجبسته مناسبات استثمارگرانه حاکم و همانا تحت سلطه بودن جامعه ماست.

اما برای آنکه چنین نظام غارتگرانه اقتصادی ای حفظ نشود و برای آنکه بقای این نظام که اساس آن غارت و چپاول و استثمار کارگران و توده های ستمدیده بنفع امپریالیستهاست است امکانپذیر گردد، نیاز به حاکم کردن سیاهترین رژیمهای نیکتاتوری بر حیات و هستی توده ها وجود دارد. رژیم جمهوری اسلامی و سلف برحق رژیم شاه از زمره این حکومت های مزدور و اعمال کننده نیکتاتوری سیاه امپریالیستها بر زندگی و کار عمار بوده هستند. حفظ و اعمال این نیکتاتوری نیز جز با کاربرد قهر و سرکوب عنان گشسته و خفه کردن کمترین ندای اعتراضی عمار و سایر تونده های ستمدیده در سطح جامعه امکانپذیر نمیکردد. بهمین خاطر است که عمار خود شامدید زیر حاکمیت اینگونه رژیمها نه تنها هر روز که میگذرد بیشتر از پیش استثمار و غارت میفود بلکه کمترین حقوق عمار نیز از معرض دستبرد و یورش غارتگران حاکم نرمان نیست. حکومتهاش نظیر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی، از آنجا که در عمل تنها ما موریتمان حفظ سلطه غارتگران امپریالیستها بر مهن ماست، پس هیچ حقوقی را برای عمار کارگران و میلیونها توده تحت ستم دیگر برسمیت نمی شناسند. از نظر آنها صرفا استثمار و چپاول

رژیمهای حافظان جان بکنند. اما برای اینکه بدانیم چرا با وجود فقر عظیم کارگران در تولید و گسترده گی این طبقه تحت ستم در جامعه کارگران زحمتکش ما حتی اجازه برگزاری یک مراسم آزادانه و مستقل بمناسبت عید جهانی خود را نیز ندارند لازم است کمی بیشتر صحبت کنیم.

همانطور که عمار کارگران محروم میدانند و در تجربه زندگی فلاکتیبار روزمره خود حس میکنند، جامعه ما، جامعه ایست تحت سلطه که در آن نظام سرمایه داری وابسته حاکم است. تنها سال است که اقتصاد و تولید مملکت در تمام عرصه ها نه اقتصادی مستقل و در خدمت رفع نیازهای واقعی توده ها، بلکه فرآیندی است که کاملا در خدمت بازارهای جهانی سرمایه و مطابق منافع امپریالیستها سازماندهی شده است. همه چیز ما وابسته به آنهاست. امپریالیستها سالهاست که بمدد نوکران خویش یعنی رژیمهای آریامه سری و جمهوری اسلامی، عمار کارگران و عساکار توده های تحت ستم را استثمار و غارت میکنند. منابع و ثروتهای مملکت همچون نفت و گاز را به پشما میبرند. آری هر آنچه که به بهای قطره قطره آب عین عمار کارگران زیر چرخ دنده های واحدهای صنعتی و کارخانجات غول آسای وابسته حاصل میفود، هر آنچه که از بابت چپاول و غارت سایر توده های خلق بدست میآید، اساسا و از راههای مختلف به جیب امپریالیستها و سرمایه داران وابسته و مزدوران آنها سرازیر میگردد. نتیجه اینکه به همان نسبت که کارگران و توده های محروم ما روز بروز بیشتر ورعکسته و بدبخت میشوند، همانقدر بر میزان ثروتهای

هم زنجیران عمار در جهان، حتی برای برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه مه هر سال، متحمل سرکوب و آزار و انقیتهای فراوانی از جانب سرمایه داران، حکومتها و ارتشهای حافظ انسان میگردند. با این وجود هنوز کهورهای زیادی وجود دارند که میلیونها تن از کارگران محروم و زحمتکش آنها، از همین حداقل حقوق برخوردار نیستند. آنها حتی حق برگزار کردن روز عید خودشان را ندارند. همه اینها نشان میدهند که سرمایه داران زالوصفت و حکومتهای خونخوار آنان چه وحشت و کینه عمیقی نسبت به کارگران دارند. و تا چه اندازه از وحدت مبارزاتی و نیروی بهکساران طبقاتی آنان میهراسند. این اوضاع در ایران تحت سلطه ما نیز صادق است. تحت حاکمیت امپریالیستی موجود در ایران، کارگران زحمتکش حتی اجازه برگزاری کردن مستقل مراسم روز جهانی خودشان را نیز ندارند. برگزاری عمار برگزار میفود هر مراسمی در این روز و چگونگی آن، کاملاً بسته به منافع مادی و تعمیم رژیمهای جبار و ضد کارگری بوده و میباید. بطور مثال در حالیکه تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی، سران این رژیم بسیاری از ایام سال را بمناسبت های مذهبی و سنتی و یا بمناسبت مرگ فلان زمامدار قدرتمند تعطیل رسمی اعلام کرده و در بیشتر این مواقع توده ها را به عزا تشویق میکنند و ولی در همین حال اول ماه مه که روز عین میلیونها کارگر زحمتکش ماست، حتی جزو تعطیلات رسمی به حساب نمیآید و بیشتر سالها کارگران رنجبسته ما باید حتی این روز را هم کار بکنند و در راه تولید سودهای بیشتر برای سرمایه داران و

روزافزون کارگران و محرومان باймالی حقوق و سلب تمام آزادیها از آنان به نفع غارتگران و جهانخواهان رسمیت نارد. بخاطر ماهیت چنین نظامها و رژیمهای وابسته ای هم هست که شما کارگران محروم و آگاه ناهمیده، در ایران تحت سلطه حتی از کمترین حقوق اقتصادی و آزادیهای سیاسی ناچیزی نظیر برگزاری روز جهانی کارگر که مثلا در کشورهای سرمایه داری پیشرفته در امریکا و اروپا و غیره برای همزنجیران شما برسمیت شناخته شده، خبری نیست. در واقع در جامعه تحت سلطه ما بدلیل وجود دیکتاتوری شاه امپریالیستی، کارگران محروم در فقر و بی حقوقی کامل بسر میبرند. سرمایه داران وابسته حاکم همه چیز کارگران و حتی مراسم روز جهانی آنانرا در انحصار و خدمت دستگاه غارت و جپاول خود در آورده اند. کارگران زحمتکش ما تحت سطره چنین فضای اختناق و دیکتاتوری است که حتی حق برگزاری جشن عید جهانی خود را نیز ندارند. در تمام سالهای سلطه امپریالیستی بر میهن ما، چه در زمان دیکتاتوری شاه و چه تحت دیکتاتوری جمهوری اسلامی، کارگران محروم ما - صرفنظر از برخی شرایط استثنائی - هیچ و مرج - نتوانسته اند علنا و در سطح وسیع و دلخواه اول ماه مه را جشن بگیرند و مراسم آزادانه خود را برگزار کنند. هر آنچه هم که تحت نام کارگران و بنام روز جهانی کارگر توسط رژیمهای حاکم برگزار شده، جز نمایشاتی تحمیلی کننده و فریبکارانه برای توجیه وضع نکبت بار زندگی کارگران ما نبوده است. مرزهای این بی حقوقی آشکار تا جایی است که جمهوری اسلامی و

سرمایه داران وابسته سال گذشته با بهانه بوج ماه رمضان و با توجیه مسخره اینکه کارگران روزه دار نمیتوانند بخاطر فواصل دور کارخانجات از یکدیگر، به راهپیمائی و برگزاری مراسم اول ماه مه بپردازند اساسا نمایشات مسخره هر ساله خود را نیز لغو کردند؛ تا از حاصل دسترنج شما در همین روز هم بی نصیب نمانند. اما امسال وضع بگونه ای متفاوت است. رژیم با آب و تاب فراوان اعلام کرده که میخواهد مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کند. مقامات رژیم که دشمنان قسم خورده کارگرانند سلسله نمایشاتی را برای اول ماه مه ترتیب داده اند و با فریبکاری تمام میخواهند اینطور جلوه دهند که جمهوری اسلامی طرفدار کارگران است و میخواهد در روز جهانی آنان مراسم برگزار کند. بهمین خاطر آنها از زبان یکی از مسئولان نهاد ضد کارگری "خانه کارگر" اعلام کرده اند که "در ۱۱ اردیبهشت، گردهمایی و راهپیمائی در تهران و دیگر شهرها برگزار خواهد شد".

دبیر کل خانه کارگر رژیم گفته است که امسال روز کارگر از ۸ اردیبهشت ماه، با دیدار نمایندگان کارگر از بیت امام و تجنید میثاق با اندیشه های والای ایقان شروع میشود و بهمین مناسبت در کارخانه های سراسر کشور ضمن برگزاری مراسم به کارگران نمونه هدایائی نیز اهدا میشود. وی افزوده است که "حضور کارگران در صحن مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، دیدار بسا مقام معظم رهبر انقلاب اسلامی و رئیس مجلس، ملاقات با جانبازان انقلاب اسلامی و غیره از دیگر برنامه های روز کارگر است".

بله همانگونه که مشاهده میشود

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی زیر نام شما کارگران دربند و با برجم حمایت از کارگره در صدد فریبکاری دیگر است. رژیم قصد نارد با دستچین کردن تعدادی از مزدوران شناخته شده خویش در کارخانجات، که کسانی جز جاسوسان انجمنها و غوراهای اسلامی نیستند و با رزه بردن آنها در پودگاه سران حاکم و گور خمینی ممدوم بمثابه یکسی از غناترین دشمنان کارگران تحت ستم ما و بالاخره با اهنای جواتزی به آنها روز اول ماه مه را با صطلاح جشن بگیرد. مسلما به روال گذشته در این خیمه - شب بازیها سرمایه داران وابسته کوفش خواهند کرد که از زبان آخوندکسای روضه خوان و مزدور موعظه های طولی هم در باره اینکه کارگران باید بیشتر از پیش کار و تولید کنند سر نانه و این مراسم "بی خطر" را بخوبی و خوبی بنام کارگران ولی بر علیه آنها به پایسان ببرند. این جوهر نمایشات روز کارگر رژیم جمهوری اسلامی است که امسال قصد برگزاری آن بر علیه شما کارگران بجان آمده و آگاه را نارد.

اما در مقابل چنین ترفند شناخته شده ای شما کارگران آگاه و مبارز وظیفه بس خطیری را بر عهده نارد که تحریم خیمه شب بازیهای رژیم تحت نام برگزاری روز اول ماه مه مهیا شد. باید به هر شیوه ممکن در نمایشات رژیم شرکت نکرده و دیگر همسنگرانان را نیز تشویق به تحریم مراسم پوهالین حکومت در این ایام کنید.

کارگران آگاه!

این حقیقتی است که تا ما نامیکه نظام سرمایه داری وابسته و حکومت سرمایه داران زالوصفت وابسته وجود

درباره مضحکه اشغال سفارت امریکا

از صفحه ۲۰

تهران توسط جمهوری اسلامی که به منظور سرکوب جنبش ضد امپریالیستی خلقهای ایران سازمان یافته بود اینک به مسائل پشت پرده این فریبکاری عملا و رسماً اعتراف می‌کنند.

البته این فریبکاری رذیلانه رژیم جمهوری اسلامی و اربابان آمریکائی اش درست در همان مقطع به کرات توسط سازمان ما برای توده‌های تحت ستم توضیح داده شده چریکهای فدائی خلق درست در مقطع اشغال سفارت امریکا طی سلسله اعلامیه‌هایی با نام "مرگ بر امپریالیسم امریکا" مرگ بر فریبکاران" در تاریخ ۱۷ آبان ۵۸ خطاب به توده‌های بی‌باخته در رابطه با خیمه شب بازی تسخیر سفارت امریکا در تهران گفتند "آینده با موضوع تمام نشان خواهد داد که آقای خمینی و پاراننش این بازی را به چه منظوری به راه انداخته‌اند. آینده نشان خواهد داد که هدف آقای خمینی از این همه‌ها هو نه پرورش روحیه انقلابی و ضد امپریالیستی توده‌ها و نه برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی بلکه برای جلب حمایت هرچه بیشتر و تحکیم رابطه خود با امپریالیست‌هاست."

چریکها در مورد منافع این خیمه - شب بازی امپریالیستهای امریکائی و سگان زنجیریشان در ایران اعلام کرده بودند که "حال اگر این شرایط را با

شرایط جامعه امریکا ارتباط دهیم مسئله بهتر درک میشود. اگر توجه کنیم که انتخابات ریاست جمهوری امریکا نزدیک است و همواره در آستانه انتخابات درگیریمسای گروههای مالی امریکا شدید میگردد اگر بیاد بیاوریم که کارتر این تجسم تمامی جنایتهای امپریالیسم محبوبیت خویشی را هرچه بیشتر از دست داده بود و حال با استفاده از موضوع تسخیر سفارت امریکا در ایران در اوج محبوبیت بسر می‌برده در خواهیم یافت که اشغال سفارت را نباید تنها در محدوده ایران مورد بررسی قرار داد بلکه باید آنرا در ارتباط با تضادهای بین امپریالیستها و انعکاس این تضادها در ایران دانست. این سخنان صریح و واقعی در زمانی با شجاعت انقلابی از سوی چریکها فدائی خلق ایران به توده‌های تحت ستم عنوان میشد که صرف نظر از تلاشهای هستیریک بلندگوهای تبلیغاتی رژیم مزدور جمهوری اسلامی موجی از تبلیغات سازشکاران و خائنان به خلق که برای ایمن اقدام فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و اربابانش در حق توده‌ها هورامی کشیدند نیز فضای جامعه تحت سلطه ما را انبساطه کرده بود اما بهر حال چیزی نگذشت که مسیر رویدادها صحت این نظرات و تحلیل‌ها را ثابت کرد و نشان داد که جمهوری اسلامی نه رژیمی ضد امپریالیست بلکه همچون رژیم شاه رژیمی وابسته به امپریالیستها و مزدور آنهاست و

نمایش اشغال سفارتخانه امریکا توسط ایادی این رژیم نیز اتفاق جزئی از اجرای اوامر اربابان آمریکائی جمهوری اسلامی بوده است و امروز نیز با اوجگیری تضادهای درونی طبقه حاکمه امریکا جزئیات بیشتری از عمق رابطه ارباب و نوکری این رژیم با امریکا افشاء میشود. روابطی که گوشه‌هایی از آن را در اعترافات ریچارد بانگ این مامور سازمان جاسوسی امریکا CIA میتوان یافت.

واقعیت این است که یکی از کهنه‌ترین سائسی که جمهوری اسلامی و اربابان امریکائی اش در طول مدت زمامداری این رژیم وابسته به امپریالیسم بر علیه خلقهای تحت ستم ما سازمان دادند، مسئله اشغال سفارت امریکا در تهران و به اصطلاح به گروگان گرفتن اعضای این سفارتخانه توسط نار و سته‌های جیره خوار رژیم در سال ۵۸ بود نمایش اشغال سفارت امریکا در تهران و گرفتن بزضا امریکائی و ضد امپریالیستی توسط رژیم جمهوری اسلامی در حالی صورت پذیرفت که این رژیم با وجود اینکه چند ماه بیشتر از عمر ننگین اش نمی‌گشت هجوم بی‌باخته‌ای را به جنبش ضد امپریالیستی کارگران و خلقهای تحت ستم ما سازمان داده بود.

ارتش امپریالیستی، کردستان و ترکمن صحرا را بفاک و خون کفیده و در

کرده زیرلوی مبارزه با امریکائیزگون
حرکت ضد امریکائی واقعی را سرکوب
نمود و هرگونه ندای حقیقتا ضد امریکائی
را در گلو خفه ساخت. و در یک کلام خیمه -
شب بازی اغفال محاسبه شده سفارتخانه
امریکا توسط ایادی مزدور رژیم نرسان
۵۸ دسیسه نواستعماری محیلانه ای بود که
امپریالیزم و سگان زنجیربسی با آن
موفق شدند در کنار خیانت آژاکار رهبران
توده ای سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران و مقامات جوشمهای سایر سازشکاران
که برای این عمل رژیم جمهوری اسلامی
به عنوان یک اقدام قهرمانانه ضد
امپریالیستی و ضد امریکائی کف زده و
هورا می کشیدند موج سرکش جنبش ضد
امپریالیستی توده ها را به بیراهه ببرند
و پایه های حاکمیت امپریالیزم در ایران
را محکمتر از پیش سازند.

اما اضافه بر منحرف ساختن جنبش
ضد امپریالیستی توده ها و زمینه چینی
برای سرکوب قطعی تر آن همانگونه که
ما سالها پیش و در مقطعی که این
خیمه شب بازی جریان داشت توضیح دادیم
نمایش مغر اغفال سفارت آمریکا
توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی بکار
تضادهای درونی میان جناحهای مختلف
هیتت حاکمه امپریالیسم امریکا یعنی
اربابان رژیم جمهوری اسلامی نیز آمد و
در مقطع انتخابات ریاست جمهوری
در امریکا و در شرایطی که مسئله
گرونگیری اعضای این سفارت خانه و
تلاش برای آزادی آنها به پارامتر
مهمی برای جلب آرا بیشتر در بین
زمانداران امریکا بدل شده بود رژیم
جمهوری اسلامی با افسارت اربابان
امریکایی خویش پس از پایان انتخابات
آن دوره در لاین کشور که طی آن جمهوریهو اعلان
در صفحه ۴۳

به مقابله با توده ها پرداخته بود اما
بهر حال مصالح امپریالیستها و نوکران
تازه بقدرت رسیده شان حکم میکرد که
اگر در آن مقطع قادر به سرکوب قطعی
موج رو به گسترش نهضت ضد امپریالیستی
خلقهای مانیتستند خود پرچمدار آن
شوند و از در مبارزه با امریکا در آیند و
پرچم این مبارزه ضد امپریالیستی را که
بویژه با خیانت رهبران توده ای لانه
کرده در سازمان چریکهای فدائی خلق
در نبود یک رهبری انقلابی و سازمانی
قوی و پیمانهنگ بوی صاحب مانده بوده
خود بدست بگیرند. بلکه در چنین شرایطی
با سنانان و ایادی رژیم ۱۱ سال پیش
وارد سفارت خانه آمریکا شدند تراهی
آنها به روی مردم بستند تا هیچکس
وارد نشود و اعلام کردند که جاسوسخانه
امریکا به اصطلاح به اغفال انقلابی
با نجویان پیرو خط امام درآمده است.
البته در اجرای این مضحکه رژیم
جمهوری اسلامی بدست مراقبت کرد که
میان توده های بهاخاسته در اغفال
سفارتخانه خود ابتکار عمل را بدست
گیرند چرا که سران رژیم می ناستند که
اگر توده های آگاه ابتکار عمل را بدست
گیرند مجالی برای خیانت و زد و بند
این مزدوران باقی نمی گذارند. بنابراین
واقعیت هم بود که نارو نسته خمینی
جلاد پس از نمایش اغفال سفارتخانه
کار را تمام شده اعلام کردند و مدتی
نیز توده ها را به جلوی سفارت خانه
آورده و به آنها "حق" فشار دادن
بر علیه امریکا را دادند و بلافاصله پس
از اغفال نمایشی سفارت امپریالیزم
امریکا در تهران هم بود که رژیم موج
دیگری از تبلیغات بر علیه کمونیستها
و مبارزین و همچنین یورش جدیدی را به
نهضت ضد امپریالیستی توده ها آغاز

همه جا انقلابیون واقعا ضد امپریالیست و
ضد امریکائی در معرض شدیدترین تهاجمات
رژیم حاکم قرار ناخشنود و دولتمردان
حاکم با تمامی تلاش و تا آنجا که وسعتان
در آن زمان اجازه می داد مغفول سرکوب
خلق و بازستاندن دستاوردهای قیام بهمن
۵۷ از آنها بودند و غیره. رژیم جمهوری
اسلامی در آن مقطع با آنکه در همه جا
عریبه کشی های ضد امریکائی بر راه انداخته
بود اما در عمل از هیچگونه رنالتی برای
سرکوب نهضت واقعا ضد امپریالیستی توده ها
خودناری نمی کرد و بالاخره هنگامی که
سردمداران مزدور رژیم جمهوری اسلامی
در یافتند با صرف تعدید عمارهای ضد
امریکائی قادر نخواهند بود که سهل
امواج نهضت ضد امپریالیستی کارگران
و توده های تحت ستم ما را به بیراهه
بکشانند، و از تعمیق روزمره احساسات
و آگاهی انقلابی و ضد امپریالیستی
توده هایی که با ستان توانایمان
شاه این سگ زنجیری امپریالیسم را
سرنگون کرده بودند و اکنون در حال
بمخروی مبارزاتمان بودند جلوگیری کنند
"دست به کار" تا تکلیف کثیف دیگری ندهند
علم به اصطلاح مبارزه با امریکا با
تبلیغاتی پیش از پیش بر افراخته عد
نارودستهای از کثیف ترین مزدوران
رژیم با یک برنامه از قبل طرح ریزی
شده به سفارت آمریکا ریختند و آنها به
اغفال خود در آورند. رژیم جمهوری
اسلامی در حالی که این نمایش مغر
دست زد که اندک زمانی پیش از آن ه
توده های واقعا ضد امپریالیست و ضد
امریکائی به همراه فرزندان فدائی شان
یکبار کوشیدند سفارت امریکا را به اغفال
در آورند و این رژیم با کسول غداره بنندان
خود به سفارت اربابان امریکائی ای

سرمایه داری وابسته عامل اصلی فساد

از صفحه ۲۰
نیز روز بروز افزوده شده است.
واقعیت اینست که در فرهنگ
منطق جمهوری اسلامی، معیار برای
تخصیص مبتذل از غیر مبتذل، زهد
و پاکی و پاکیزگی از فساد و غیره نه
آنچیزی است که عموماً در عرف عمومی
و در میان مردم ماریج می باشد. بلکه
این رژیم هرآنچه را که با منافع و مصالح
خد خلقی او در تضاد قرار نداشته باشد
مربود می شمارد در معیارهای این رژیم
خد خلقی مجله و کتابی که ناشر افکار
انقلابی و آگاهی بخش است، نواری و پخش
و فیلمی که زشتی و پلیدی های سیستم
سرمایه داری و جنایات امپریالیستها و
سگان زنجیریش در اقصی نقاط جهان
و تلاش های مبارزاتی و موفقیت های
انقلابی رزمندگان رهائی خلق و انقلابیون
جان برکف را به نمایش می گذارده عکس و
اسلایدی که با نشان دادن جنبه های
گوناگونی از مظاهر مبارزه طبقاتی
باعث وسعت نمود و آگاهی انقلابی گردد
همه اینها کفر محض و رکن اصلی
" منکرات " شمرده شده و مزدوران کفر
جمهوری اسلامی بی هیچ تردیدی نام مبتذل
و مبتذل ترین بر آنها می شنهند و دارندگان
و یا استفاده کنندگان از آنها را با نام
پرطمطراق "مفسد فی الارض" راهسی
شکنجه گاه های خود ساخته و خونشان را
بر زمین می ریزند، بلکه در معیارهای
رژیم مزدور جمهوری اسلامی اینهاست

شاخص اصلی منکرات و مفسد اجتماعی
و بداین ترتیب این رژیم همه چیز را به
ابتذال میکشد تا نظم ضد انقلابی حاکم را به
هر نحو که شده تداوم بخشد البته برای
رژیم جمهوری اسلامی همانند هر رژیم
مدافع مرتجعین و استثمارگران،
مخالفت و مبارزه بر علیه مفسد
اجتماعی در مفهوم واقعی خود از قبیل
مبارزه با نزدی و ارتشاء و غیره نیز
بواقع مطرح است چرا که ضرورت برقراری
نظم ضد انقلابی به نفع استثمارگران
به چنین مخالفت و مبارزه ای البته
عمدتاً و اساساً در رابطه با محرومان
و نه سرمایه داران زالومست نیز نیازمند
می باشد بر این اساس حال چه با استناد
به اعترافات خود سردمداران رژیم و
چه با توجه به واقعیت گستردگی فساد
در جنبه های گوناگون خود در جامعه
باید گفت امری که امروز کاملاً
مشخص و مبرهن است گسترش و رشد
بسیار فساد از جمله فحشاء، نزدی
و رشوه خواری و اعتیاد و غیره و وجود
مراکز و یا بقول رژیم لانه های فساد
در اقصی نقاط ایران می باشد واقعیت
تلخ و تاسف بری که درست تحت حاکمیت
رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری
اسلامی و بدلیل سیطره مناسبات
گندیده سرمایه داری وابسته که این
رژیم مدافع سرسخت آن می باشد حاصل
گفته است.
از جنبه دیگر گسترش و ازدیاد

وسایل مورد استفاده توده ها نظیر
عکس، فیلم و نواری و پخش و غیره که
کشف و ضبط هزار چندگانه آنها را مزدوران
رژیم جزء مباحات و موفقیت های
افتخار آفرین خود محسوب می کنند چه
محتوای آنها مترقی و دارای جنبه
تفریحی و سرگرم کنندگی بوده باشد و
چه بواقع مبتذل بوده و در خدمت
انحراف افکار و اشاعه فرهنگ منحط
و مبتذل قرار داشته است قبیل از هر
چیز بیانگر شکست و ناکامی رژیم در
تحمیل فرهنگ ارتجاعی خویش در جامعه
و عدم موفقیت و ناکامی او در برقراری
نظم دلخواه خویش بصورت تام و کمال
در جامعه می باشد و نشان می دهد که رژیم
جمهوری اسلامی علی رغم بکارگیری انواع
تاکتیک ها و روش های ضد خلقی و اعمال
سرکوبگرانه در حق توده ها نتوانسته
است، نه بخیر آگاه و نه بخش غیر آگاه
توده ها را در کل و بطور عموم به تمکین
در مقابل فرهنگ و سیاست های خود
و ادار نماید.

وسعت یابی فساد و اشاعه گسترده
فرهنگ منحط و مبتذل در جامعه تحت
حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی نشان
دهنده وجود زمینه های مادی رشد و
گسترش این امر می باشد بنابراین
مساله اساسی که باید در بررسی علل
گسترده و ازدیاد موارد فساد و خلاف
کاری های مظاهر با منافع اجتماعی

مورد توجه قرار بگیرد اینست که بدانیم چه زمینه مادی و کدام مناسبات اقتصادی - اجتماعی موجب و موجب این امر است. واقعیت را بخواهیم این مناسبات همانا مناسبات سرمایه‌داری وابسته حاکم بر جامعه ماست که امروز در منجلب بحرانی عمیق فرو رفته است. مناسبات بیماری که در بالا امکان ارتقا و دزدیهای کلان و مفاسد بی‌شمار دیگری را در بین گردانندگان و کارگزاران رژیم و وابستگان نشان و سبعا گسترش داده و در بائین با به فلاکت کشاندن زندگی توده‌ها و با ایجاد محدودیت‌های گوناگون و محرومیت‌های فراوان برای آنان سرمایه‌بکاری و عدم توانائی مالی و در تامین حداقل معاش زندگی باعث تباه شدن زندگی بسیاری از زحمتکشان و آحاد مردم گشته است و به این ترتیب زمینه فحشاء و دزدی و جلوه‌های مختلفی از فساد در جامعه بطور کامل و بی‌سابقه بوجود آمده و رواج یافته است.

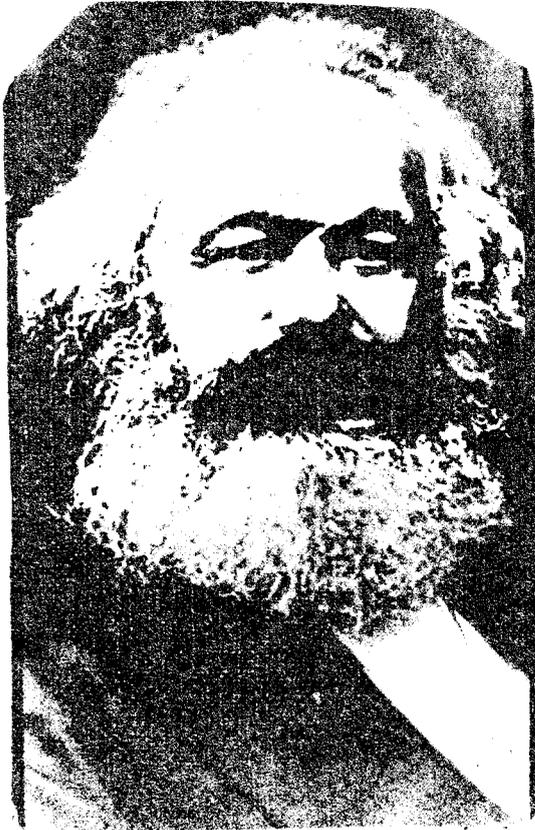
سردمداران مزدور رژیم همواره میکوشند وجود فساد در ابعاد گسترده‌کنونی را ناشی از گذشته و دورانی جلوه دهند که تحت سیطره رژیم وابسته به امپریالیسم شاه فرهنگ منطقی امپریالیستی یا به عبارت مطلق فرهنگ غربی علتها و آشکارا در جامعه اشاعه داده شده و کوشش‌های آگاهانه برای بسط آن در بین جوانان توسط جیره خواران رژیم مزدور شاه به عمل می‌آمده ولی همانطور که گفتیم ریشه و اساس وجود و رشد فساد در جامعه ما به دلیل حاکمیت سیستم سرمایه‌داری وابسته پرمیهن ماست. در دوره شاه نیز با توجه به سیطره همین مناسبات و اعمال و سیاست‌های

ارتجاعی شاه برای حفظ و تداوم سرمایه‌داری وابسته در ایران بود که فساد در جلوه‌های گوناگونش در جامعه رواج داشت. تنها تفاوت‌های اصلی را که می‌توان بین امروز و دوران شاه برشمرد این است که با توجه به گرفتاری سیستم سرمایه‌داری وابسته در بحرانی عمیق و زمینه هرچه بیشتر و گسترده‌تری برای رشد و اشاعه فساد بوجود آمده و جمهوری اسلامی نیز بنا به وظیفه ضد انقلابی صیانت و تداوم این سیستم که از طرف امپریالیسم به‌وی تفویض شده است با سیاست‌های بغایت ارتجاعی و جنایتکارانه‌اش در جهت تأمین منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته به قیمت فقر و بدبختی و خانه خرابی توده‌ها، دامنه هر چه بیشتری به آن می‌بخشده از جنبه دیگر اگر در دوره شاه اشاعه فرهنگ امپریالیستی در شکلی عریان از طریق رسانه‌ها و دم و بستگاه‌های عریض و طویل شاه بطور علنی صورت می‌گرفته امروز محتوای همان فرهنگ و همان اندیشه‌های منطقی و مبتذل اگر چه با عنوان اسلام خواهی، نردنگی پوشیده‌تر و با ادعای بر طمطراق مبارزه با فرهنگ غربی و امپریالیستی از طرف مزدوران جمهوری اسلامی این سگ‌سان زنجیری امپریالیسم اشاعه می‌یابد.

در پایان باید توجه مردم مبارز زمان و بخصوص جوانان و نوجوانانی که در ابعاد و اشکال مختلف تحت مظالم سرمایه‌داری وابسته حاکم بر ایران قرار دارند را به این موضوع جلب کنیم که ادعاهای نروغین رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مورد ضد امپریالیست بودن خود و اینکه مخالف سرسخت فرهنگ امپریالیستی

می‌باشد باعث آن می‌گردد که گاه عده‌ای با توجه به نفرت شدید خود از جمهوری اسلامی و بدلیل مخالفت با این رژیم ناآگاهانه بدامان جلوه‌هایی از فرهنگ امپریالیستی بخلطند در حالیکه این امر باعث هیچگونه گزندی به رژیم نیست و بنوبه خود راه خطائی است که ضرر آن قبل از هر چیز متوجه توده‌ها و سنن مبارزاتی آنهاست. از اینرو توده‌های آگاه و مبارزه باید بکوشند در نردجه اول سنن و فرهنگ انقلابی و مترقی را بار شناخته و تا آنجا که ممکن است در ترویج و اشاعه آن در جامعه بکوشند البته این واقعیتی است که تا زمانی که مناسبات سرمایه‌داری وابسته در ایران حاکم است نه ریشه فساد خشکیده خواهد شد و نه کار فرهنگی در مفهوم انقلابی خود قادر است بطور کامل از اشاعه فرهنگ امپریالیستی در بین جوانان و توده‌های ماجلویگیری نماید، بنا بر این در حین کوشش برای اشاعه فرهنگ انقلابی در جامعه باید توجه اساسی و نیروی اصلی را برای نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران بکار گیریم و با قطع نفوذ امپریالیسم از ایران و نابودی همه سگان زنجیرین، جامعه‌ای آباد و آزاد و با فرهنگ انقلابی بوجود آوریم.





۵ ماهه (۱۵/۱ اردیبهشت)
سالگرد تولد کارل
مارکس اندیشمند
کبیر طبقه کارگر
گرامسی باد

جمهوری اسلامی و روز جهانی کارگر

از صفحه ۲۲

نارد، هیچ اول ماه مه واقعی ای برای
ما وجود نخواهد داشت. برگزاری يك
جشن مایسته و بزرگداشت روز جهانی
کارگر بهیچ وجه به محیط آزاد و
دمکراتیک نیاز ندارد که کارگران محروم
ما بر آن بتوانند آزادانه عقیده و رأی
خود را ابراز و اراده‌شان را اعمال
کنند. اما رژیم ضد کارگری جمهوری
اسلامی، اتفاقاً تمامی هم و غم در جهت
سلب کمترین آزادیهای دمکراتیک و کفتن
و سرکوب اراده طبقاتی کارگران و سایر
توده‌های ستمدیده است. پس تا دیکتاتوری
امپریالیستی تحت هر شکل و با هر
لغزهای پاپی بر جاست، تا رژیم‌های
مزبور و ضد کارگری ای نظیر جمهوری
اسلامی بر سر کارند، کارگران ما نیز
قادر نخواهند شد روز جهانی خود یعنی
يك اول ماه مه واقعی را آزادانه و به
شوه خود جشن بگیرند.

تنها با گسترش مبارزات ضد
امپریالیستی، با برقراری نظامی
دمکراتیک و نوین یعنی جمهوری دمکراتیک
خلق برهبری کارگران، برای نهل به
سوسیالیزم و کمونیسم است که عید واقعی
کارگران فرا خواهد رسید، تمامی عهد و
بندهای استثمارگرانه از دست و پاهایمان
خواهد گشت و اواده طبقاتی تاریخ‌زبان
پشتا پیش خلق در راه پیشرفت و تعالی
جامعه نوین پیار خواهد نشست. امسال
نیز همچون سالهای گذشته مقاومت و
مبارزه کارگران ما در راه چنین افق
روشن و آرمان مقدسی تنها راه بزرگداشت
واقعی اول ماه مه و تجلیل از خون
رهبران دلیر کارگری میباشد.

*

نگاهی به بودجه سال ۶۹ ...

از صفحه ۴

سال ۶۹ در بخش مربوط به " سایر درآمدها " عنوان کرده‌اند
که: " سایر درآمدهای دولت نیز در سال ۶۹ معادل ۱۳۳۷/۷
میلیارد ریال برآورد شده که اگرچه نسبت به پیش بینی
عملکرد سال ۱۳۶۸ بالغ بر ۲۵/۲ درصد افزایش نشان میدهد،
لکن با توجه به مکانیزمهایی که در قالب برنامه اول و بودجه
سال آینده پیش بینی شده امید است که رقم مزبور تحقق
یابد. " (تاکید از ماست که همان هوای ۹ اسفند)
البته اگر تمام این برنامه زیور و خود از " مکانیزمهایی "
که لایحه بودجه رژیم جمهوری اسلامی در سال ۶۹ با اتکا به آنها
" افزایشهای " کلانی را بر روی کاغذ برای درآمدهای سال
آینده خویش منظور کرده بجز ابراز " امید " و اریهائی
تأثیر مورد فوق، اثری پیدا نخواهد شد. اکنون بهتر است
مختصری نیز به نحوه توزیع و صرف بودجه کلانی که سران
رژیم آنرا برای سال ۶۹ در نظر گرفته‌اند بپردازیم تا
ماهیت ضد مردمی این برنامه هر چه روشنتر گردد. ادامه دارد

اخبار و

گزارشهای خبری

« - در اواسط فروردین ماه پارلمان اروپا با صدور قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر در ایران محکوم نمود .

« - بر اثر گسترش فقر و بیکاری « اتومبیل نزدی » در تهران وسعاً گسترش یافته بطوریکه تنها طی بهمن ماه سال گذشته حدود ۱۵۰ مورد نزدی اتومبیل گزارش شده است .

« - سرتمپ شهبازی اعلام کرد که بعهد نهست جمهوری اسلامی مارتین پاکستان را در جنگ احتمالی این کشور بسا هندوستان بر سر مسئله کشمیر یاری بخشد .

« - نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین اعلام کرد : « در حال حاضر دولت قادر نخواهد بود هم تولید را در بخش صنعت افزایش دهد و هم رفاه را برای مردم ایجاد کند . بنابراین مردم باید مدت زمان کوتاهی تحمل فشارهای اقتصادی را بنمایند » .

« - نماینده رژیم از ماکو گفت : « تورم و گرانی تمام حیات را از طبقه محروم و زحمتکش جامعه گرفته و گستران زندگی برای طبقه سوم ، مخصوصاً خانواده‌هایی که دارای چند سر عائله میباشد کاملاً با مشکل مواجه شده و قشر ضعیف جامعه از دست تورم بیداد میکند » .

« - امام جمعه ایلام اعتراف کرد : در کمال شرم آوری باید گفت بجز چند کشور ، از نظر اخلاق و بهداشت و آمار بیسوادی از تمام کشورها عقب‌تریم گوئی بشر انقلاب ما چیه ندارد عمل میآید .

« - هادی غفاری گفت : پس از رسیدگی به دفاتر فروشگاه‌هایی که مدعی است در یکسال ۱۹۵ میلیون ریال فروش داشته مشخص گردید که این فروشگاه حدود ۲ میلیارد ریال فروش داشته و با خشکیار فروشی که سابقه مالیاتی اش ۱۵۰ هزار تومان بوده بررسی دفاتر نشان میدهد که بیش از ۲ میلیارد تومان فروش داشته است .

« - رجائی خراسانی گفت : « عده‌ای بر این باورند که استقرض لزوماً وابستگی بهمراه دارد و بهمین دلیل استقرض واژه وحشت آوری در جامعه ما شده است ، در حالیکه در جهان کشورهای هستند که بدون وابسته‌اند بدون اینکه استقرض داشته باشند » .

« - مرتضی الویری اعلام کرد : دولت ایران مذاکراتی را با کمیانیها و نول خارجی برای بدست آوردن اعتبار آغاز کرده است در همین رابطه روشن گردید که مقامات رژیم

« - در روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه تظاهراتی بر علیه رژیم در پارک ملت تهران رخ داد که با پورش پاسداران مواجه گردیده و آنها ضمن ضرب و عتم تظاهرکنندگان و تهرانیبازی بسوی آنها، تعدادی را دستگیر نمودند . روزنامه‌های رژیم از این تظاهرات تحت عنوان « اغتشاشات اوباش » نام برده و نوشتند ۶۵ نفر بجرم سران « غمراهی سیاسی » و « بر هم زدن نظم » دستگیر شده‌اند .

« - پاسداران جنایتکار کمته ضمن حمله به یکی از مناطق الونک نشین بزرگراه بمنت ۱۰۰ آلونک راهپا حاک یکسان کردند و در همانحال به ۲۰۰ آلونک نشین دیگر اخطار کردند که باید هر چه زودتر این منطقه را تخلیه نمایند .

« - در اواخر اسفند ماه کارگران نوب آهن اصفهان در اعتراض به این امر که مسئولین کارخانه قصد داشتند اسال نیز بجای عهدی به آنها بن کارگری تحویل دهند تهدید به اعتصاب نمودند . در مقابل این اقدام اعتراضی کارگران ، مسئولین نوب آهن عقب‌نشینی نموده و بسا پرداخت عهدی به کارگران موافقت نمودند .

« - رفعت فقر و فلاکت در جامعه افراد زیادی را وادار کرده است که برای گذران زندگی خود دست به تکدی بزنند و این امر باعث گسترش بی‌اندازه گدائی در سطح جامعه گشته بطوریکه برای نمونه در خیابان زند شیراز بطور روزمره مابین شاهد تکدی صدعا گنا و فالبین میباشد .

« - متعاقب تظاهرات اخیر مردم در شهرهای مختلف کشور ، تماهل به کناره‌گیری از سپاه پاسداران افزایش یافته و عده‌ای از پاسداران حتی حاضر شده‌اند بسا نادن مبلغی از کار کناره‌گیری کنند ، ولی این امر عذیبنا بسا مخالفت رژیم مواجه گشته است .

رجوی و از فعالین بعضی روابط خارجی سازمان مجاهدین خلق نمود.

« - سهرابی فرمانده زاندارمری جمهوری اسلامی و فرمانده سپاه پاسداران نرسیستان و بلوچستان از زد و خورد های شدیدی با باصلاح « اشرار » و گروههای « ضد انقلاب » در بلوچستان خبر دادند که در جریان آنها ۲۶ نفر کشته و چند نفر دستگیر شده اند . رادیو رژیم بنقل از این مزدوران در ۲۰ و ۲۳ فروردین ماه اعلام کرد که در درگیریهای فسوق مقاومتی سلاح و مهمات و ۱۹ دستگاه خودرو بدست پاسداران رژیم افتاده و محل استقرار « اشرار ضد انقلاب » در یکی از ارتفاعات منطقه نیز منهدم شده است . *



گرامی بناد خاطر شهیدای خلق
فلسطین در دیرپاسین

با پنج شرکت ایتالیائی و اتریشی مذاکراتی را برای کسب اعتبار آغاز نموده اند .

« - جمهوری اسلامی طی توافقی با شرکت مارین پکس که بزرگترین قراردادی بیش فروش نفت نام را به امضاء رساند . ارزش قرارداد فوق به ۸۰۰ میلیون دلار بالغ میشود که ۱۰۰ میلیون دلار آن تاکنون به شرکت نفت جمهوری اسلامی پرداخت شده است .

« - اخیراً فاضل گردید که جمهوری اسلامی نفت را با ۳۰ تنگینف به ژاپن بفروشد .

« - اخیراً قراردادی به ارزش ۱۳ میلیارد دلار بهرامون اجرای طرحهای اقتصادی و صنعتی بین رژیم و ایتالیا به امضاء رسیده است و این در حالی است که حجم مبادلات جمهوری اسلامی با ایتالیا در سال ۶۸ نسبت به سال ۶۷ ، ۲۰۰٪ افزایش یافته بود .

« - قاضی زاده نماینده رژیم از سرخس گفت : « سرخس به لقمه نان خشک قناعت کرده اند ولی بعضی از آقایان فکر میکنند این مشکلات را میتوانند با سرکوب مردم و ایجاد رعب و وحشت حل کرد سخت در اعتقادند » او گفت بدستور نادستان عمومی مفید عده ای از اهالی سرخس که گفته اند « ما گرسنه ایم زمین میخواهیم ما گرسنه ایم نان میخواهیم » بازداشت شده اند .

« - مدیر کل صنایع هواپیماسازی اسرائیل تأکید کرد که جمهوری اسلامی جهت تعمیر ۱۲ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ خود بوسیله مهندسان اسرائیلی اقدام کرده است . این مامور که ارزش آن حدود ۱۵ میلیون دلار ارزیابی شده با وساطت یک شرکت انگلیسی شکل گرفته است .

« - تنها بیمارستان شهر ۲۰ هزار نفری گهساران فاقد بخشهای ارتوپد ، عفونی و متخصصین گوش و حلق و بینی است و بیمارانی که نیاز به گرفتن عکسهای ممد و کلیه نارند باید به شهرهای دیگر مسافرت نمایند .

« - آخوند جنتی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی گفت : « هیچ مقامی حق ندارد کسی را از انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر باز دارد و در بد حجابی نیز مانند روزه - خواری هر کسی باید وظیفه خود را انجام دهد . »

« - رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاستهای تروریستی اش برای ایجاد فضای رعب و وحشت در منسوف نیروهای ابوزیبون و مخالفین خود در روز ۴ اردیبهشت در شهر کوبه سوئیس اقدام به ترور دکتر کاظم رجوی ، برادر مسعود

« در اوائل فروردین ماه جاشهای خود فروخته به منطقه «باسک کوله سر» سرشته رفته و ضمن انیت و آزار اهالی سعی در مسلح کردن آنها بر علیه جنبه خلق کرد نمودند که با مقاومت اهالی مواجه گشتند.

« رژیم در ادامه اخانیهای همبستگی اش فائز آموزان کلاسهای اول تا پنجم دبستانهای مهاباد را ملزم به پرداخت به ترتیب ۵۰، ۱۰۰ و ۳۰۰ تومان نموده است.

« جاشهای منطقه سردشت اخیرا در روستاهای و رده ، کانی زرد ، دوان خانوان ، گل کند ، بنوخه لاف ، کونه میشکه و آشامه زمین جوانان منطقه را برای مسلح شدن تحت فشار قرار داده و اعتم کرده اند هر کس اسلحه رژیم را بردارد بجای رفتن به سربازی، میتواند در روستای خود خدمت نماید .

« جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاست ارتجاعی کوچک اجباری روستائیان کردستان اخیرا به اهالی روستاهای گوره شیر ، مای ران ، توژال و نوکان در منطقه سردشت اختار کرده که بایستی روستاهای خود را تخلیه نمایند.



« در اوائل ماه رمضان در شهر سردشت ، مزدوران جمهوری اسلامی به یکی از جوانان شهر بدلیل روزه خواری توهین می نمایند. این امر باعث درگیری آنها شده و یکی از مزدوران اقدام به تیراندازی مینماید که در نتیجه تیراندازی جوان مزبور مجروح میگردد. بر اثر این واقعه مردم در محل درگیری جمع شده و ضمن اعتراض به اقدام فوق به مزدوری که بسوی جوان مزبور تیراندازی کرده بود حمله می کنند. اینبار نیز مزدور مزبور بسوی مردم تیراندازی کرده و یکی دیگر از اهالی شهر را مجروح کرده و بسا به فرار می گذارد ولی مردم خشمگین با دنبال کردن وی ، او را در حوالی فرمانداری گرفته و تا حد مرگ کتک می زنند.

« در اواخر فروردین ماه در شهر سنندج یکی از گشتهای موسوم به خواهران زینب قصد دستگیری چند زن را به دلیل بدحجابی داشتند که با اعتراض زنان مزبور مواجه گشته و بین آنها درگیری بوجود می آید. این امر باعث تجمع اهالی و کتک خوردن خواهران زینب می گردد. در این اثنا نیروهای کمکی از کمیته به یاری خواهران زینب آمده و سعی در دستگیری زنان معترض می نمایند اما این امر با اعتراض شدید اهالی منطقه طالقانی سنندج مواجه گشته و بین آنها و کمیته جیها درگیری پیش می آید. بر اثر این درگیری و بسا توجه به برخورد خشمگین مردم ، پاسداران کمیته مجبور به فرار شده و نمی توانند زنان معترض را دستگیر نمایند. شدت این درگیری به حدی بود که بعضی از مزدوران فرصت برداشتن اتومبیل های خود را نیز نمی کنند و این کار توسط گندهای بعدی انجام میشود.

« رژیم در ادامه فشارهایی که به خانواده بیشمرگان خلق کرد وارد می کند اخیرا تهدید نموده است که اگر آنها تا آخر بهار فرزندانشان را مجبور به تسلیم به جمهوری اسلامی نکنند کوبین خوارباشان را قطع خواهد نمود.

اخبار جهان

از صفحه ۳۲

از طبقه چهارم ساختمان به بائین هل داده شد که بر اثر سقوط از ساختمان جان باخت و دستگاه فیلمبرداری او نیز توسط پلیس ضبط گردید. دو روز قبل از این ماجرا همین دانشجویان طی تظاهراتی بر علیه جرج بوش او را فاشیست نامیده بودند .

« - نشریه این سایت در ۲۶ مارس گزارش داد: مقامات شوروی میگویند که هزاران اسلحه و مقدار زیادی تجهیزات نظامی و چندین تن مواد منفجره توسط میلیشای اقلیتها در آذربایجان این اقلیتها در نواحی مختلف به سرقت رفته است .

بر اساس این گزارش در جولای گذشته حدود ۴۸۰ اسلحه گرم تنها در آذربایجان به سرقت رفته است . بنا به گفته ژنرال « الکساندر کاتوسو » در بندر « نوروسیک » يك قطار حامل تانکهای جنگی کشف شده است .

کاتوسو گفت که او به سرقتهای اسلحه در کارخانه ها و همچنین گم شدن اسلحه در هنگام حمل و نقل آنها با قطار بسیار علاقمند میباشد .



« - با حمله پلیس جنایتکار پاکستان به تظاهرات دانشجویان این کشور در شهر کراچی ۱۱ نفر کشته و عسدهای دستگیر شدند .

« - هزاران تن از اهالی یکی از مناطق ایالت ماریین ترکیه بر علیه رژیم حاکم بر این کشور به تظاهرات پرداخته و شعار "سرتنگون باد رژیم ترکیه" و "زنده باد کردستان" را سر دادند . توده‌های مبارز در جریان این تظاهرات با آتش زدن لاستیک و سنگ پرانی بر علیه نیروهای سرکوبگر ترکیه خشم و نفرت خود را به نمایش گذاشتند . بدنبال این تظاهرات حمله ارتش به اهالی دولت ترکیه در این منطقه اعلام حکومت نظامی نمود . در ضمن مبارزین کرد ضمن حمله‌ای به نیروهای ارتش در جنوب شرقی این کشور ۵ تن را به هلاکت رساندند .

« - در تداوم قیام دلاوران خلق فلسطین نیروهای سرکوبگر اسرائیل با حمله به تظاهرات مردم در شهر نابلس ۲ فلسطینی را کشته و ۵ نفر را مجروح نمودند . پس از این درگیری دولت اسرائیل در این شهر و اردوگاههای اطرافش اعلام حکومت نظامی نمود .

« - با حمله نیروهای سرکوبگر آفریقای جنوبی به تظاهرات مردم در یکی از شهرهای ژوهانسبورگ عده‌ای کشته و صدها تن مجروح شدند .

« - رژیم ضد خلقی ساحل عاج به منظور جلوگیری از گسترش مبارزات دانشجویان این کشور دانشگاه و بعضی از مؤسسات آموزشی عالی و مدارس را تعطیل نمود .

« - هزاران نفر از اهالی لندن در اعتراض به قوانین مالیاتی جنید دولت تاجر به تظاهرات دست زدند که بر اثر حمله پلیس عده‌ای مجروح و دستگیر شدند . تظاهر کنندگان با آتش زدن اتومبیلهای دولتی خشم و انزجار خود را به نمایش گذاشتند . بر اساس گزارش خبرگزاریها در جریان این تظاهرات ۱۳۰ نفر مجروح شدند .

« - در اعتراض به شرایط بد حاکم بر زندانهای انگلستان موجی از اعتراض و اعتصاب زندانهای این کشور را فراگرفت . در جریان این اعتراضات زندانبانان بازداشتگاه "استرین جویید" در منچستر شورش کرده و کنترل زندان را بدست گرفتند .

« - ارتش جمهورخواه ایرلند طی یک بمب گذاری در

« - در کاتماندو پایتخت نیپال مردم در اعتراض به سیستم تک حزبی حاکم بر کشور به تظاهرات پرداختند که بر اثر تیراندازی پلیس این کشور عده‌ای کشته و مجروح شدند . در تداوم این تظاهرات بود که باندها نیپال سرانجام مجبور گشت لغو ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را اعلام نماید .

« - چریکهای راه درخشان در لیما پایتخت پرو در اعتراض به انتخابات فرمایشی این کشور دو سیاستمدار عضو حزب حاکم را از پای درآوردند .

« - مبارزین مسلح در هندوراس با حمله بیک اتوبوس حامل سربازان آمریکائی تعدادی از آنها را زخمی نمودند .

« - ارتش آزادیبخش کلمبیا طی یک بمب گذاری در جاده‌ای در شمال کلمبیا ۵ تن از نیروهای پلیس این کشور را کشته و ۱۱ نفر را مجروح نمود . در ادامه مبارزات این سازمان بر علیه رژیم ضد خلقی کلمبیا نیروهای این ارتش با حمله به شهر "کانی ستورا" این شهر را بمدت یک شب به تصرف خود درآوردند . در جریان این عملیات شهرتانی شهر ویران گشته و ۶ نفر از نیروهای سرکوبگر رژیم حاکم بهلاکت رسیدند . در ضمن ارتش آزادیبخش کلمبیا ۱۴ تن از سربازان رژیم که قبلا در حمله به شهرک "سرکوبها" دستگیر شده بودند را آزاد نمود .

« - بر اساس گزارش رژیم فلهپین یک خودروی نظامی ارتش این کشور در ۴۵۰ کیلومتری جنوب شرقی مانیل توسط چریکهای حزب کمونیست مورد حمله قرار گرفته و ۸ نفر کشته شدند . در ضمن چریکهای حزب کمونیست در اطراف مانیل پایتخت این کشور یک واحد از ارتش فلهپین را مورد حمله قرار داده و ۵ تن از نیروهای سرکوبگر را بهلاکت رساندند .

« - نیروهای مبارز کلمبیا در اواسط فروردین ماه یک نماینده پارلمان این کشور را بهلاکت رساندند .

« - در ناحیه شهن چیانگ در غرب چین مردم بر علیه رژیم حاکم به تظاهرات برخاسته و با نیروهای سرکوبگر این کشور درگیر شدند. در جریان این درگیری بر اثر تیراندازی پلیس چند نفر کشته شدند. در ضمن در جریان حمله دهها نفر بیک فستیوال در شهرک بارن ۶ تن از پلیسهای محافظ این فستیوال کشته شدند.

« - پارلمان اسرائیل لایحه بودجه سال مالی جدید این کشور را به تصویب رساند. مبلغ کل بودجه در این لایحه رقمی حدود ۳۱ میلیارد دلار میباشد که $\frac{۱}{۳}$ آن صرف پرداخت بدهیهای دولت و ۲ میلیارد و ۷۵ میلیون دلار آن صرف تقویت نیروهای سرکوبگر این کشور میگردد.

« - سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد: هر ساله ۱۵ میلیون کودک بیگناه بخاطر بیماریهای بی اهمیت و قابل درمان در زیر ۵ سالگی میمیرند. طبق گزارش این سازمان ۳ میلیون از کودکان نامبرده بعلت عدم استفاده از واکسنهای فلج اطفال و آبله و غیره از بین میروند. ۴ میلیون نفر آنها نیز بر اثر سوء تغذیه و اسهال جان میبازند.

« - زاپین اعلام کرد که جهت تقویت و نگهداری واحدها و تجهیزات آمریکائی در زاپین از این پس مسئولیت و نقش بیشتری بعهده خواهد گرفت.

« - نشریه میامی هرالد - ۲۸ مارس - گزارش داد: علیرغم تبلیغات وسیع دولت آمریکا علیه استفاده از سلاحهای شیمیائی توسط دولتهای دیگر، ارتش آمریکا خواهان خرید مقدار زیادی ترکیبات و محتویات شیمیائی از کمپانیهای بزرگ شیمیائی برای ساختن بمب سمی شد. از قرار معلوم ارتش آمریکا احتیاج به ۱۶۰ هزار پوند (معادل ۲۲ هزار کیلو) ماده تیونیل کلوراید برای تولید گازهای کفکننده شیمیائی دارد.

« - روز ۱۷ مارس پلیس سانفرانسیسکو به یکی از خوابگاههای دانشجویان دانشگاه برکلی حمله بوده و ضمن ضرب و شتم دانشجویان، خوابگاه را با وسائل دانشجویان به آتش کشید. دانشجویان که در حال برگزاری یک شب شعر در سالن این خوابگاه بودند توسط پلیس تحت بازجویی قرار گرفته و وسایلتان به آتش کشیده شد. در جریان یورش پلیس تعدادی از دانشجویان دستگیر و یکی از دانشجویان که در حال فیلمبرداری از این ماجرا بود توسط پلیس جنایتکار آمریکا در صفحه ۳۰

جادهای در حوالی شهر " نان باتریک " واقع در ۵ کیلومتری جنوب لندن ۴ تن از نیروهای ارتش انگلستان را بهلاکت رساند.

« - رژیم ضد کارگری نجریه برپائی هرگونه تظاهرات را بمناسبت اول ماه مه ممنوع اعلام کرده و ضمن تهدید کارگران رسماً اعلام نمود که با هرگونه تظاهرات کارگران با عدت عمل برخورد خواهد کرد.

« - در آستانه روز جهانی کارگر رژیم ضد خلقی ترکیه برپائی هرگونه مراسمی را بمناسبت این روز ممنوع اعلام نمود. اما علیرغم این کارگران و دانشجویان مبارز در شهر استانبول با برپائی تظاهراتی اول ماه مه را جشن گرفتند. نیروهای سرکوبگر ترکیه به این تظاهرات حمله کرده که بر اثر تیراندازی آنها حداقل دو نفر مجروح شدند که یکی از آنها یک دختر دانشجوی میباشد. بنا به گزارش خبرنگارهایها حداقل ۲۰ نفر در این تظاهرات دستگیر شده اند.

« - بدنبال اوچکیری تظاهرات دانشجویان کره جنوبی درگیریهایی وسیعی بین دانشجویان و پلیس کره جنوبی رخ داد که تنها در ۱۸ اردیبهشت ماه بدستگیری ۲۰۰۰ دانشجوی منجر گردید. در جریان این درگیریها دانشجویان ساختمان انجمن فرهنگی آمریکا را با کوکتل مولوتف مورد حمله قرار داده و به آتش کشیدند.

« - کارگران بزرگترین کارخانه کشتی سازی کره جنوبی دست به اعتصاب زدند که بر اثر یورش نیروهای سرکوبگر این کشور زدن خورد شدیدی بین کارگران و پلیس روی داد و حرکت اعتراضی کارگران به خیابانها کشیده شد. در جریان این درگیریها رژیم کره جنوبی ده هزار پلیس را برای سرکوب کارگران به خیابانها آورد و حداقل ۵۰۰ کارگر را دستگیر نمود.

« - راهبوی جیبه آزادیبخش ارمنیه اعلام کرد نیروهای این جیبه در جریان یک عملیات بزرگ صدها تن از نیروهای انتہویی را کشته و مجروح نموده و شهر " بیک سا " در جنوب شرقی اسمره را به تصرف خود در آورده اند.

« - بدنبال کشته شدن یکی از تفنگداران دریائی ارتش آمریکا بوسیله ارتش نوین خلق فیلیپین مقامات ارتش آمریکا مرخصی همه سربازان آمریکایی در فیلیپین را لغو نموده و دولت فیلیپین بدستگیری وسیع اهالی محلی که این عملیات در آن رخ داده بود، دست زد.

ایران از دریچه آمار

« در کتاب برنامه سال ۶۷ جمهوری اسلامی آمده است که ۴۳٪ از جمعیت ایران بیکار و بیکار کار هستند و با اساسا نقشی در تولید ندارند. بر این اساس هر نفر شاغل باید ۶۷٪ نفر را تغذیه و تامین نماید در حالیکه این رقم در کشورهای پیشرفته برابر با ۲/۲ نفر می باشد.

« روزنامه اطلاعات گزینش داد: جمعیت شاغل در بخش کشاورزی که در سال ۵۵، ۳۴ بوده است در سال ۶۵ به ۲۹/۱٪ نزول کرده است و جمعیت کارگران صنعتی نیز که در سال ۵۵ حدود ۳۴/۲٪ جمعیت شاغل را تشکیل میدادند در سرشماری سال ۶۵ به ۲۵/۲٪ کاهش یافته است.

« به گزارش کیهان: در سال اخیر در لرستان ۹۳۵۱ نفر از روستاهای این استان به شهرهای تابعه مهاجرت کرده و ساکن شده اند. و ضریب شهرنشینی استان که در سال ۵۵ برابر ۳۳/۵٪ بوده در سال ۶۵ به ۴۷٪ افزایش یافته است. در سال ۶۵ حدود ۱۴/۶٪ جمعیت شهری استان را مهاجرین شهری تشکیل داده اند.

« به گزارش مطبوعات رژیم: کسری بودجه جمهوری اسلامی در سال ۶۹ نسبت به سال ۶۸ به ۱۹٪ افزایش یافته است.

« نماینده بیرجند در رابطه با لایحه بودجه سال ۶۹ اعلام کرد: در این لایحه نسبت به سال ۶۸، ۹۰ میلیارد ریال بودجه امنیت داخلی افزایش یافته است و در زمینه امور دفاعی نیز ۱۷٪ افزوده شده است.

« میرزاده معاون رفسنجانی گفت: برای بودجه بازسازی مناطق جنگ زده در سال ۶۹ مبلغ ۱۷۰ میلیارد ریال و ۲۰۰ میلیون دلار پیش بینی شد که در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس این ارقام به ۸۰ میلیارد ریال و ۱۲۶ میلیون دلار کاهش یافت.

« به گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی: درآمد سرانه سال ۶۷ به نسبت سال ۵۷ با قیمت ثابت به ۱/۲ نزول کرده است.

« در حالیکه براساس گزارشهای منتشر شده، رشد تورم تا سطح ۲۰۰٪ رسیده است نوربخش وزیر اقتصاد اعلام کرد: رشد قیمتها ظرف سال ۶۸ نسبت به سال ۶۷ به ۶۱٪ کاهش یافته است.

« مرکز آمار ایران اعلام کرد: در استان خوزستان از هر ۱۰۰ نفر جمعیت این استان ۳/۱ نفر بیکار می باشند.

« خبرگزاریها گزارش دادند: جمهوری اسلامی از هر ۵ ریالی که خرج می کند باید یک ریال را استقراض نماید « در ایران از هر ۱۰۰۰ کودک، ۴۵ نفر بهر اوزر سینه به سن ۵ سالگی می میرند.

« روغنی رنجانی اعلام کرد: شرکت ملی فولاد ۱۰ میلیارد تومان زیان انباشته دارد.

« حسین هراتی نماینده سبزوار گفت: بانکها برای سال آینده مبلغ ۱۱۳ میلیارد ریال زیان روی دست ما گذاشتند.

« هفته نامه اقتصادی مید چاپ انگلستان گزارش داد که جمهوری اسلامی ۱۵٪ از کل صادرات نفتی خود را بصورت پیش فروش نمودن نفت تحویل خریداران میدهد.

« رانهور رژیم اعلام کرد: در حالیکه رشد جمعیت ۳/۶٪ میباشد رشد سواد آموزی کمتر از ۲٪ است.

« قائم مقام نهضت سواد آموزی اعلام کرد: از ۱۴ میلیون بی سواد کشور ۷ میلیون نفر افراد زیر ۲۵ سال می باشند.

« بنی هاشمی نماینده رژیم از مشهد گفت: در حال حاضر بسیاری از کلاسها دو سه شیفته هستند و بسیاری از مدارس اجاره ای کیفیت شان نامطلوب است و شهر مشهد بسا کمبودی نزدیک به هزار مدرسه مواجه است.

« خبرگزاری رژیم اعلام کرد: بهر از ۲۰ میلیون از جمعیت کشور دچار عوارض ناشی از کمبود ید هستند و از این تعداد ۳ میلیون نفر دچار عوارض شدید می باشند و در شرایطی که نیاز کشور به ۵۰۰ تن نمک ید دار می باشد رژیم فقط ۵۰ تن از این مقدار را تامین می کند.

« وزیر صنایع رژیم اعلام کرد: ظرفیت تولید صنایع جمهوری اسلامی طی سه ماه دوم سال گذشته نسبت به سه ماهه دوم سال ۶۷ به ۱۱/۲٪ کاهش یافته است و صنایع کشور فقط با ۱/۴ ظرفیت تولید خود کار می کنند.



«سیستم مالیاتی جدید در انگلستان و تظاهرات توده‌ای بر علیه آن»

روز شنبه ۲۱ مارس، بر اعتراض به قوانین مالیاتی جدید که اخیراً توسط دولت تاجر وضع گردیده، شهر لندن شاهد تظاهرات وسیعی بود که بدلیل یورش و حمله پلیس، به چنان درگیریهای بزرگ خیابانی تبدیل گشت که در نیم قرن اخیر در انگلستان سابقه نداشته است.

تظاهرات ابتدا با شرکت ۴۰ هزار نفر از یکی از محله‌های لندن *Glaspow* با سازماندهی تشکل‌های مخالف قانون مالیاتی جدید *POLLTAX* آغاز شده، ولی خیلی زود انبوهی از جمعیت به آن پیوست و بگونه‌ای که وقتی صدها تظاهرکننده به مقابل دفتر تاجر نخست وزیر انگلستان رسیده جمعیت به ۱۵۰ هزار نفر رسیده بود. در این مسیر تظاهرکنندگان با شعار لغو مالیات جدید و آمدن هائی از تاجر را آتش زدند و به این ترتیب اعتراض و نفرت خود را از دولت تاجر و *POLLTAX* ابداعسی او به نمایش گذاشتند.

در مقابل دفتر تاجر تعدادی از تظاهرکنندگان اقدام به يك اعتصاب نموده نمودند، اما این حرکت با مقابله خفونت آمیز پلیس مواجه گردید و درگیری بین تظاهرکنندگان و پلیس آغاز شد. سازماندهندگان تظاهرات با مشاهده این وضع کوشیدند ضمن تسریع در قرائت قطعنامه پایانی تظاهرات هرچه زودتر به این نمایش اعتراضی بزرگ پایان دهند. این اقدام همراهِ با تناوب برخوردهای خفونت آمیز پلیس در حالیکه باعث پراکندگی در صفوف تظاهرکنندگان گشت، اما اعتراض و مقاومت همچنان ادامه یافت و با هجوم و حمله پلیس به تظاهرکنندگان خشمگین درگیری هرچه بیشتر تشدید گردید.

در جریان این تظاهرات پلیس انگلستان و حمله‌گری خود را بی‌از بهر، به نمایش گذاشت. آنها با باطوم به جان جمعیت افتاده و به ضرب و شتم مردم پرداختند، ماشین‌های خود را به صفوف تظاهرکنندگان رانندند، پلیس سوار بر اسب بی‌محابا بدون جمعیت تاخته و آنها را زیر

سم اسبهای خود گرفتند و غیره و غیره ۰۰۰ در مقابل این اعمال و حمله‌ها، تظاهرکنندگان از پای ننشسته و به هر طریق که می‌توانستند به مقابله پرداختند. بزودی، چند ماشین پلیس و چند اتوبوس واژگون و به آتش کشیده شدند، شیشه‌های بسیاری از فروشگاه‌ها شکسته شد و ۰۰۰ تظاهرات تا پاسی از شب ادامه یافت و در حالیکه طی آن سفارتخانه‌های اسرائیل و آفریقای جنوبی نیز توسط بخشی از تظاهرکنندگان مورد حمله قرار گرفته و آنها به این ترتیب خشم و اعتراض خود را نسبت به همپالیگهای تاجر - صهیونیست‌ها و نژاد پرستان - به نمایش گذاشتند.

در جریان این تظاهرات خفونت بار بی‌خبر از صد نفر از تظاهرکنندگان بر اثر ضربات پلیس شدیداً مجروح و ۳۰۰ نفر دستگیر شدند. از نیروهای پلیس نیز ۳۰ نفر زخمی گردیدند.

POLLTAX چیست و چه تأثیری بر زندگی کارگران و اقشار پائینی جامعه خواهد داشت؟ زمینه‌مادی اعتراض و وسیع توده‌ای بر علیه قانون مالیاتی جدید کدام است؟ در زیر می‌کوشیم تا حدودی به این سائل پاسخ دهیم.

POLLTAX که توسط خانم تاجر و حزب محافظه کار، ابداع گردیده، در واقع يك نوع مالیات بر افراد است. مطابق این قانون هر فرد صرفاً به اعتبار اینکه در انگلستان زندگی می‌کند، باید سالانه مقدار معینی مالیات بپردازد. حتی میزان این مالیات نیز بر حسب درآمد و ثروت شخصی تعیین نمی‌گردد، بلکه همه از کارگر و کارمند جزء گرفته تا بورژواهای گردن کلفت باید مبلغ ثابتی را که از طرف شهرناری محل تعیین شده، بپردازند. به این ترتیب در يك محله معین همان میزان مالیات به يك کارگر تعلق می‌گیرد که به يك بورژوا. در عین حال با توجه به تعیین مقدار این مالیات توسط شهرناری هر محل و در نتیجه یکسان نبودن میزان آن در سطح شهر حتی گاهی يك کارگر

شهرداریها می‌گردد. بنابراین شهرداری هر محل بر حسب هزینه‌های ضرور خود میزان *TOLL TAX* را تعیین می‌نماید. اگر هزینه شهرداری بیشتر باشد میزان *TOLL TAX* نیز زیادتیر خواهد بود و برعکس و یا ممکنست شهرداری بدلیل کمبود هزینه از ارائه خدمات لازم در محل مربوطه سرباز زند. چنین است که درآمد مالیات دریافتی از افراد در محله‌های مختلف لندن و در دیگر شهرهای انگلستان مبلغ ثابتی نبوده و متفاوت می‌باشد. بهمین دلیل هم هست که اگر ساکنین محله *Greenwich* بمثابه محله فقیر نشین لندن (x) سالانه باید ۶۰۰ پوند بعنوان *TOLL TAX* بپردازند، در محله آکسفورد از این بابت هفته‌ای ۱۲ پوند پرداخت می‌شود. از همینجا علت اصلی و زمینه مادی شکل گیری جنبش وسیع بر علیه سیستم مالیاتی جدید در انگلستان که تظاهرات اخیر جلوه بارزی از آنرا به نمایش گذاشت، روشن می‌گردد. این سیستم مالیاتی مفهومی جز سازماندهی بورژوازی آشکار به دسترنج کارگران و درآمد قشرهای متوسط ندارد. آنهم در شرایطی که انگلستان یکی از بالاترین درآمدهای تورم را در اروپا داراست و قیمت اجناس و ضروری‌ترین نیازهای مردم هر روز فزونی می‌گیرد. در شرایطی که چند میلیون بیکار وجود دارد و تنها در لندن، نه‌هزار نفر عیسا در خیابانها می‌خوابند، اگر در نظر بگیریم که حقوق متوسط یک کارمند در انگلیس ماهانه ۶۰۰-۵۰۰ پوند است، با در نظر گرفتن این امر که مبلغ *TOLL TAX* در بعضی مناطق ممکنست سالانه ۶۰۰-۵۰۰ پوند باشد، می‌توان دریافت که چگونه یک کارمند باید حاصل تمام کار و تلاش خود را در یکماه بعنوان مالیات بپردازد. حال دیگر وضع افسار بائین تر و بیکارانیک هفته‌ای تنها ۳۰ پوند به آنها تعلق می‌گیرد روشن است.

مالیات جدید در شرایطی وضع گردیده که منام از مبلغ بیمه‌های اجتماعی کسر می‌گردد. نرخ بهره بدلیل سیاست‌های اقتصادی دولت از حدود ۲٪ به حدود ۱۴٪ تا ۱۶٪ رسیده است. مفهوم این مورد در رابطه با زندگی کارگران و افسار بائین جامعه آنست که اگر آنها بابت وامی که مثلاً برای خرید خانه‌ای از بانک گرفته‌اند، ماهیانه با تحمل

مجبور می‌شود مبلغ بیشتری از یک بورژوازی *TOLL TAX* بپردازد. مثلاً در لندن که به محله‌های مختلف که هر یک دارای شهرداریهای خاص خود میباشد، تقسیم گشته است و میزان مالیات بر افراد را نیز شهرداری هر محل با توجه به هزینه‌های خود تعیین می‌کند، سرمایه‌داری که در خانه مجلی در فلان محله لندن زندگی می‌کند باید همان مقدار مالیات بپردازد که کارمندی در این محله با گرفتن وام از بانک و با قبول تضییقاتی خانه‌ای برای خود ست و پانصد است و یا ممکنست سرمایه‌داری که در خانه اعیانی اش در محله‌ای در ناز و نعمت بسر میبرد حتی کمتر از کارگری مالیات بپردازد که در محله‌ای دیگر در خانه مختصری اجاره نشین می‌باشد. بنا بر این مطابق قانون مالیاتی جدید اهالی فقیرترین محله‌های لندن با ساکنین مرفه‌ترین مناطق نه تنها بیکسان باید مالیات بپردازند، حتی گاه ممکنست به یک محله فقیر نشین مالیات بیشتری نسبت به محله مرفه‌ترین تعلق بگیرد.

به این ترتیب معلوم می‌شود که تاجر با ابداع قانون جدید چه امتیاز بزرگی به سرمایه‌داران انگلیس داده و چگونه سهم مالیاتی را که آنها به نسبت ثروت خود می‌بایست بپردازند، بدون کارگران و توده‌های زحمتکش سرشکن نموده است.

علت اخذ مالیات از طرف شهرداریها در چهار چوب سیاستی صورت می‌گیرد که دولت تاجر تحت عنوان ضرورت تضعیف نقش دولت در امور اقتصادی و مرفه جویی در هزینه‌های دولت و با شعار رشد اقتصاد آزاد و رقابت آزاد در صدد پیشبرد آن میباشد. اگر در گذشته تامین امکانات اجتماعی و رفاهی در سطح جامعه به عهده دولت بود که این خود یکی از دستاوردهای توده‌ای و حاصل مبارزات طبقه کارگر با سرمایه‌داران زالوصفت در این کشور بوده است، حال دولت تاجر با قطع کمکهای مالی دولت به شهرداریها و با با کاهشی شدید این کمکها، آشکارا بورژوازی را بر علیه کارگران و زحمتکشان و بر علیه دستاوردهای مبارزاتی آنان سازمان داده است.

مطابق سیستم مالیاتی جدید دولت تاجر، برای تامین امکانات رفاهی و ضروریات اجتماعی، شهرداری هر محل باید هزینه‌های لازم را نه از دولت بلکه از خود اهالی محل کسب نماید. و به عبارت دیگر *TOLL TAX* معر درآمد

(x) لازم به ذکر است که یکی از کانونهای پرطین مبارزه

بر علیه *TOLL TAX* همین محله *Greenwich* میباشد.

مالیاتی جدید را بدلیل آنکه از تصویب مجلس گذشتند و بصورت "قانون" درآمده است، ضروری تلقی کردند. مورد اخیر در شرایطی صورت گرفت که تنها در اسکاتلند صدها هزار نفر با امضای طوماری، پرداخت مالیات جدید را تحریم کرده و اعلام نموده‌اند که خود از پرداخت آن امتناع خواهند ورزید.

با توجه به مخالفت توده‌ای با سیستم مالیاتی جدید و تضعیف موقعیت حزب محافظه‌کار، حتی بعضی از محافظه‌کاران با احساس خطر از دست دادن قدرت به صف مخالفین *POLLTAX* کشیده شده‌اند. موقعیت شخصی تاجر بسیارضعیف گشته و طبق نظر سنجی‌های انجام شده، ۷۵٪ از مردم انگلیس اعلام کرده‌اند که از رای دادن به تاجر و حزب او خودداری خواهند کرد.

طبقه حاکمه یعنی حاقین نظام سرمایه‌داری برانگلستان اگر چه از *POLLTAX* بمناب قانونی لازم الاجرا نام می‌برند ولی تظاهرات وسیع خیابانی ۳۱ مارس تاثیر خود را در چگونگی اجرای این "قانون" بجای گذاشته و علیرغم اینکه تاجر در پاسخ به این تظاهرات، وقیحانه اعلام کرد " مردم مدتی اعتراض می‌کنند و بعد فراموششان میشود" (نقل به معنی) ولی حال او دولت محافظه‌کار را مجبور شده‌اند در مقابل جنبش توده‌ای عقب‌نشسته و اعلام کنند از میزان مبلغ *POLLTAX* کاسته خواهد شد و زمان اجرای آن را هم به عقب خواهد انداخت. این واقعیت نشان می‌دهد که ضرورت تداوم جنبش اعتراض بر علیه *POLLTAX* در برانگلستان محسوس به عقب‌نشینی‌ها، بی‌تدری خواهد شد.



چریک فدائی خلق رفیق شهید سلیمان میریلوک



چریک فدائی خلق رفیق شهید جمشید هدایتی

فشارهای پولی نخیره کرده و قسط می‌پرناختند. حال با دو برابر شدن مقدار این قسط کمربان خم گشته است. با این وصف می‌توان دریافت که اضافه شدن مالیات جدید بدون طبقات و اقشار پایین چه فشاری را به آنها وارد می‌آورد و در نتیجه از همینجا به علت شکل‌گیری جنبش وسیع ضد *POLLTAX* و شرکت گسترده مردم در آن پی‌برد.

POLLTAX و تضادهای لرونی طبقه حاکمه در انگلستان جنبش توده‌ای بر علیه سیستم مالیاتی جدید دولت تاجر همچون هر اعتراض وسیع اجتماعی مورد توجه گرایشات مختلف طبقه حاکمه در انگلستان قرار گرفته و هر جناحی از این طبقه کوشید از این جنبش به نفع خود و جهت تسویه حساب با جناحهای رقیب استفاده نمایند. حزب کارگر با اعلام مخالفت با قانون مالیاتی جدید تاجر توانست توجه اجتماعی را به خود جلب کند و در شرایط نفرت توده‌ای از این قانون به تقویت موقعیت خود بپردازد. چنین بود که در انتخابات "میان‌دوره‌ای"، حزب کارگر آرائی بیشتر از قبل بدست آورده بطوریکه در یکی از مناطق که در هر رای‌گیری همواره حزب محافظه‌کار رست بالا را داشت، امسال برای اولین بار حزب کارگر با بدست آوردن حدود ۶۰٪ آرا پیروز شد.

با اینحال هنگامی که جنبش *POLLTAX* اوج گرفت حزب کارگر به انحاء مختلف کوشید از شدت و وسعت گیری آن بکاهد. این حزب نه تنها بطور رسمی نقشی در تظاهرات بزرگ خیابانی ۳۱ مارس نداشت و کوشید خود را از تشکلهای مخالف سیستم مالیاتی جدید که سازماندهنده آن تظاهرات بودند کنار بکشد، پس از آن نیز در حالیکه خود راهمچنان مخالف *POLLTAX* می‌خواند و کماکان سعی می‌کرد از اعتراض توده‌ای نسبت به این امر در رقابت با حزب محافظه‌کار سود جویده تمام سعی خود را بکار گرفت تا مبارزه و اعتراض مزبور از چهار چوب "قانون" نظام موجود فراتر نرود. در پارلمان انگلیس، حزب کارگر از طرف حزب محافظه‌کار مورد حمله قرار گرفته و مسبب تظاهرات ۳۱ مارس و پساً بقول تاجر "جنايات" آنروز دانسته شده ولی این حزب در دفاع از خود ضمن تطهیر بلیس جنایتکار این کشور و تشبیح اعمال خثونت آمیز تظاهرات ۳۱ مارس، "آنا ریستها" و "چپ‌ها" را عامل آن معرفی نمود و اجرای قانون

پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت نوروز ۶۹

از صفحه ۴۴

میکنند؛ آنجا که تنها در شهر تهران هر شب ۲ میلیون نفر باشکم گرسنه به خواب میروند و جاشیکه دیوار ختنساق و شرایط ترور و خفقان ناشی از حاکمیت امپریالیستی بر زندگی توده‌ها مستولی گشته، تصویری از بار دردها و مآسای آنان در سال گذشته ترسیم می‌شود. وجود ده میلیون بیمار روانی در کشور، افزایش میزان خودکشی در میان کارگران و دیگر طبقات و افشار ستمدیده خلق، توسعه بیسودی در ابعاد گسترده، بگونه‌ای که طبق آمار دولتی تنها در آذربایجان شرقی ۶۰٪ مردم بیسوادند، و یا بنا به آمار دیگری میلیون کودک در سال پیش از راه یافتن به کلاسهای درس محروم ماندند و غیره و تنها مبین گوشه‌هایی از زندگی نکبت‌زده و فلاکت‌بار توده‌ها در سال گذشته بوده است. در این سال نیز دانش‌آموزان ما کمبود فضای آموزشی، فقدان یا کمبود درمان و بهداشت، نابسامانی در امر آموزش و پرورش و غیره و غیره همگی دردها و مآسای بودند که رنج‌های طاقت‌فرسای آنها همچنان برگزیده توده‌های ما سنگینی نمود.

در سال گذشته نیز همچون سالهای پیش سیطره بازار سیاه، زندگی توده‌های زحمتکش را در تنگناهای بازهم بیشتری قرار داد. کمبود و گرانی اجناس که حالا دیگر نمان این اصلی‌ترین غذای مردم ایران را نیز در برمی‌گرفت و عدم برآورده شدن ابتدائی‌ترین نیازها چون آب آشامیدنی که در سال گذشته در بسیاری از نقاط کشور توده‌های رنج‌دیده با آن مواجه بودند، فشارهای زیادی را بر آنان متحمل ساخت. اخاذی از توده‌ها تحت عناوین مختلف همچنان به روال سابق ادامه یافت و با تصمیم آشکار دولت مبنی بر تأمین بخشی از بودجه از طریق اخذ مالیات، آهنگ شدیدتری نیز بخود گرفت.

در سال‌هایی که گذشت خلقهای تحت سلطه و ستمدیده مسا، بخصوص کارگران و زحمتکشان در زیر حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کماکان روزهای سخت پر مشقتی را گذراندند. بیکاری، فقر، گرسنگی، دربداری و بی‌خانمانی، بیماری، فقدان یا کمبود درمان و بهداشت، نابسامانی در امر آموزش و پرورش و غیره و غیره همگی دردها و مآسای بودند که رنج‌های طاقت‌فرسای آنها همچنان برگزیده توده‌های ما سنگینی نمود.

در سال گذشته نیز همچون سالهای پیش سیطره بازار سیاه، زندگی توده‌های زحمتکش را در تنگناهای بازهم بیشتری قرار داد. کمبود و گرانی اجناس که حالا دیگر نمان این اصلی‌ترین غذای مردم ایران را نیز در برمی‌گرفت و عدم برآورده شدن ابتدائی‌ترین نیازها چون آب آشامیدنی که در سال گذشته در بسیاری از نقاط کشور توده‌های رنج‌دیده با آن مواجه بودند، فشارهای زیادی را بر آنان متحمل ساخت. اخاذی از توده‌ها تحت عناوین مختلف همچنان به روال سابق ادامه یافت و با تصمیم آشکار دولت مبنی بر تأمین بخشی از بودجه از طریق اخذ مالیات، آهنگ شدیدتری نیز بخود گرفت.

در سال گذشته نیز همچون سالهای پیش سیطره بازار سیاه، زندگی توده‌های زحمتکش را در تنگناهای بازهم بیشتری قرار داد. کمبود و گرانی اجناس که حالا دیگر نمان این اصلی‌ترین غذای مردم ایران را نیز در برمی‌گرفت و عدم برآورده شدن ابتدائی‌ترین نیازها چون آب آشامیدنی که در سال گذشته در بسیاری از نقاط کشور توده‌های رنج‌دیده با آن مواجه بودند، فشارهای زیادی را بر آنان متحمل ساخت. اخاذی از توده‌ها تحت عناوین مختلف همچنان به روال سابق ادامه یافت و با تصمیم آشکار دولت مبنی بر تأمین بخشی از بودجه از طریق اخذ مالیات، آهنگ شدیدتری نیز بخود گرفت.

آنجا که ۹۵٪ از دارائی‌های مملکت تنها در دست ۳٪ از آحاد جامعه تمرکز یافته و ۵۰٪ جمعیت زیر خط فقر زندگی

دانشجویان ما در سال گذشته کماکان در میان حصارهای اختناق و محدودیت‌ها و فشارهای ناشی از عملکرد انجمن‌های اسلامی و دیگر ارگان‌های سرکوب و عاملین ظلم و تعدی به حقوق دانشجویان به سر بردند و بالاخره زنان، آنهاست که با تشدید بحران‌های امپریالیستی و سرنگ شدن بار آن پرورش خلقهای تحت سلطه ما، پیش از همه آماج حملات امپریالیسم قرار گرفته و توسط رژیم مزدور امپریالیست‌ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی به بند کشیده شدند، آنهاست که با عناوین و توجیحات غیرواقعی و من‌درآوردی و ظاهر اسلامی مورد همه‌گونه توهین و تحقیر قرار گرفته‌اند، بلی

و حتی بخشی از حیره پاسداران مزدورشان را در لبنان با کشت و به عمل درآوردن مواد افیونی و فروش و بخش آن در بین جوانان آن دیار تا بین می‌کند. با اعدام عده کثیری از قاچاقچیان جزء که در شرایط بیکاری و فقر و نداری به این کجراه و ورطه کشانده شده‌اند، مذبوحانه تلاش کرد تا هم خود را علمدار مبارزه با قاچاق مواد مخدر جلوه دهد و هم به این طریق فضای رعب و وحشت را گسترش بیشتری داده و به اصطلاح قدرت خود را به نمایش بگذارد. در حالیکه همه کوشش او به واقع متوجه متمرکز ساختن امر خرید و فروش مواد مخدر در دست خویش و در اختیار گرفتن بازار این مواد مرگ‌زاست.

ایجاد گشت‌های جدید برای کنترل بازار هم بیشتر توده‌ها از جمله تشکیل گشت‌ها و العادیات که تحت عنوان مبارزه با قاچاق مواد مخدر در همه حال و در همه جا به بازرسی و کنترل مردم می‌پردازند، گوشه دیگری از اقدامات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را در سال گذشته در جهت تشدید شرایط ترور و اختناق در سراسر جامعه نمایان می‌سازد. رؤیمی که پایه‌های حکومتش بر ظلم و اجساد و زورگویی بنا شده و مورد انزجار و نفرت بی حد و حصر توده‌های مسلمونی ایران قرار دارد و از آنرو بقسول مثل معروف از سایه خویش نیز دچار وحشت می‌گردد، در هر اس از توده‌ها و رشد جنبش اعتراضی و خیزش انقلابی آنان در سال گذشته نیز همچنان به تنها نیروی مورد اعتماد خویش یعنی ارتش، سپاه پاسداران و دیگر نیروهای سرکوبگر ریز و درشت خویش تکیه نمود و در حالیکه سردوشی‌های جدید به مزدوران ارتشی اعطاء می‌نمود و پاسداران نظام‌گندیده سرمایه‌داری وابسته را ملیس در او نیفورم‌های تازه تجدید سازماندهی می‌کرده آنان را برای یورش به خلق تجهیز و تقویت نمود.

صرف مبالغی کلان برای خرید تجهیزات نظامی و عقد قراردادهای سنگین در زمینه احداث کارخانه‌های تسلیحاتی نظیر قرارداد احداث کارخانه تولید موشک ضدتانک با رومانی و خرید مخفیانه مواد شیمیایی از شرکت‌های

زنان در سال گذشته نیز همانند سالهای قبل محدودیتهای بسیاری را متحمل شدند. در ازای کار مساوی با مسردان کماکان به زنان کارگرو زحمتکش بدلیل زن بودنشان مزد کمتر پرداخت شد. عدم امکان اشتغال و بیکاری بیش از همه دامن آنها را گرفت. آنها همچنان از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم ماندند و مداخله مزدوران رژیم در امور خصوصیشان همچنان ادامه یافت. زنان رنج‌دیده مادر سال گذشته نیز در حالیکه مجبور به پوئانندن خود در حساب به اصطلاح اسلامی بودند، از اذیت و آزار مزدوران حیره‌خوار رژیم حتی در کوچه و خیابان نیز مصون نماندند و دست‌ها و آویاش و اراذل مدام آنها را زیر ضرب و شتم قرار داده و حتی از پاشیدن اسید بروی سر و صورت آنها اجتناب ننمودند.

سالی که گذشت، سال گسترش با زهم بیشتر فساد و دزدی در میان غارتگران حاکم بود. سالی که با تشدید تفرادهای درونی هیات حاکمه، باز هم بیرونده‌های جدیدی از دزدی و ارتشاء سران حکومتی برملا شد و رسوایی مواردی چون دزدی‌های مربوط به کارخانه رسو از طرف جمعی از به اصطلاح قضات حکومتی و با دزدی ده تن شمش طلا به رسوایی‌های پیشین جمهوری اسلامی اضافه گشت.

در سال گذشته مظهر یکی از وحشیانه‌ترین شیوه‌های بزخورد بورژوازی وابسته ایران نسبت به خاطبان اجتماعی، با نمایندگی رژیم جمهوری اسلامی و تحت عنوان اجرای قوانین اسلام، در قانون قصاص تجلی یافت و اوج داشت این بورژوازی و چهره خونبار و جنایتکار او را در طرح قصاص به طریق سنگسار کردن، بطریق خراب کردن دیوار بر سر شخص، بطریق سوزاندن زنده زنده فرد در کوره‌ای گذاخته، بطریق پرت کردن او از فراز یک بلندی، بطریق کردن زدن با شمشیر و ... به نمایش گذاشت. تنگ و نفرت برابسی طبقه انگل و رژیم حامش، رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی باد!

در این سال، رژیمیکه طبل رسوائی مپره‌های دست‌اندرکارش در قاچاق مواد مخدر در همه جا به صدا درآمده

برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران

و دهقانان از فقدان یا کمبود ابزار و آلات کشاورزی، از بی آبی، از عدم دسترسی به بذور کود و غیره در عذابند، اگر گزاشی در جامعه بیداد می‌کند و تورم به مرز صد درصد رسیده است، اگر اعتیاد، دزدی و فحشا، رواج هر چه گسترده‌تری یافته است، و بالاخره اگر اختناق یا شدت هر چه تمام‌تر سیاهی خود را بر میهن ما گسترانیده و هراس و وحشت از رشد جنبش انقلابی در شرایطی چنین خاصیت بار دولت را به مداخله در خصوصی‌ترین امور توده‌ها جهت کنترل آنان و ادار کرده است و غیره و غیره همه اینها بدلیل برقراری سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران و معمول وابستگی جامعه ما در شئون مختلف به سیستم جهانی امپریالیسم می‌باشد، سیستمی که امروز بدلیل گرفتار آمدن در بحران سخت باعث معاشی بمراتب بیشتر از گذشته و وارد آمدن فشار هر چه سنگین‌تر به کارگران و زحمتکشان و توده‌های ستمدیده بخصوص در کشورهای تحت سلطه و وابسته‌ای چون ایران گشته است، بنابراین اگر قرار است گروه خلقهای ما از بار ستم و مظالم بیشتر رها شود، اگر بایستد نقطه پایانی به شرایط نکبت‌بار زندگی توده‌ها گذاشت و اگر باید زنجیرهای اسارت و بردگی زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما از هم گسسته شود و اگر قرار است و بایستد بهار آزادی کارگران و زحمتکشان و توده‌های رنج‌دیده ما هر چه زودتر فرارسد و جشن سرخ و باشکوه بهاری، خفته از طرف ستمدیدگان برپا گردد، پیش از هر چیز باید سلطه اهریمنی امپریالیستها و رژیم مزدور جمهوری اسلامی، به نیروی لایزال توده‌ها از میهن ما برافکنده شود، پایه برای گشودن دروازه‌های سعادت و خوشبختی، برای تحفیق خواسته‌های برحق توده‌ها، برای درآغوش گرفتن بهار آزادی، تنها یک راه وجود دارد، راه قطع قطعی نفوذ امپریالیسم و نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته در ایران، تا زمانی که دست امپریالیسم از شئون مختلف جامعه ما کوتاه نگشته و نظام جابرانه سرمایه‌داری وابسته همچنان در ایران برقرار است، تا زمانی که این چرتومه‌های کثیف دزد و فساد باقی هستند، تصور رهائی از قید و بندها و مظالم موجود، توهمی بیش نیست، تا وقتی ریشه درد باقی است بیماری نرسد.

تظاهرات گسترده سراسری بنمایش درآمد و اینچنین استحکام بیونند مبارزاتی آنان را آشکار ساخت این مبارزات بمثابه انعکاس بخشی از قدرت لایزال توده‌ها و نیروی همبسته آنان، لرزه بر اندام دشمنان انداخت و به دشمنان نشان داد که علیرغم صرف بودجه‌های کلان برای تقویت نیروهای سرکوبگر خویش و سرکوب هر چه وحشیانه‌تر کمترین اعتراضات توده‌ها و غفنه کردن هر فریاد مبارزاتی در گلوی آنان و سرنگ تمام دسیسه‌های وی جهت تضعیف روحیه مبارزاتی مردم رنج‌دیده ما، آنها از چه پتانسیل و انرژی انقلابی عظیمی برخوردارند، بدین گونه توده‌های ستمدیده و مبارز ایران، امسال با فرو شکوه حاصل از مبارزات قهرمانانه خویش، به استقبال نوروز رفتند.

بله هر جا ظلم هست مقاومت هم هست، مبارزه هم هست، و باید دانست که تلاش دشمن برای مهار این مبارزه هر چند ممکنست در کوتاه مدت نتیجه‌ای نماید اوسازد ولسی بالاخره تلاش مذبحخانه و عیبی بیش نیست، چرا که دلایل عینی معتبری سرمنشا چشمه جوشان مبارزات خلقهای ما است، توده‌های ما پتانسیل عظیم مبارزاتی خویش را از سلطه جنایت‌بار امپریالیسم بر ایران، از شرایط دهشتناک و طاقت‌فرسائی که بدست او و سگان زنجیریش در جامعه ما حاکم گشته، اخذ می‌نمایند.

آنچه در سطور فوق به اختصار در مورد شرایط زندگی توده‌ها در جامعه ایران گفته شده تنها گوشه‌هایی از سیمای جامعه تحت سلطه ما را در سالی که گذشت بیان می‌نماید، تحت سلطه امپریالیسم بودن جامعه ما و حاکمیت نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران بانی و سبب همه معاش و بدبختی‌ها نیست که هر دم به عناوین و اشکال مختلف بر سر توده‌های رنج‌دیده ما فرو می‌ریزد، اگر کارگران ما بدون اینکه رژیم مسئولیتی در قبال آنان متقبل شود گروه‌گروه از کار اخراج و به اردوی بیکاران می‌پیوندند، اگر در کارخانجات استثمار کارگران در اعلا حد خود جریسان دارد و شرایط کار طاقت‌فرسائی به آنان تحمیل شده است اگر روستاهای ایران بگونه‌ای که حتی سردمداران رژیم خود گاه و بیگاه اعتراف می‌نمایند به ویرانی کشیده شده

رویک بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

پیام چریکهای فدائی خلق ...

از صفحه ۸

در این بیکار طولانی و خونین، شما هیچ چیز جز زنجیرهای پایتان را ندارید که از دست بدهید و در عوض آنچه که پس از طلوع خورشید روغن بیروزی و نر پشاپیش صوف تمامی توده‌های ستمدیده به دست خواهید آورد، دنیائی نوین و آزاد و سرشار از برابری و عدالت اجتماعی، یعنی دنیای سوسیالیسم و کمونیسم خواهد بود. در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، ضمن تبریک این روز تاریخی به کارگران آگاه و مبارز میهنمان، بار دیگر خاطره "جانبازیهای تمامی کارگران شهیدی که در جریان بیکار بین اردوی کار و اردوی ستم و سرمایه‌داری خون خود را وثیقه رهایی محرومان کردند را گرامی مینداریم و برای طبقه کارگر قهرمان ایران در پیشبرد مبارزه انقلابیش با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آرزوی موفقیت‌های هر چه بیشتر میکنیم."

جاودان باد خاطره تمامی کارگرانی که در راه آزادی طبقه خویش
 نهرمانانه بر علیه سرمایه‌داران جنگیدند و جان باختند!
 سرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیرساز!
 سرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
 برتراریاد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

با ایمان به بیروزی راهمان
 چریکهای فدائی خلق ایران
 اردیبهشت ماه ۶۹



چریک فدائی خلق رفیق شهید
 شیرین (فضیلت کلام) معاضد

گرامی باد خاطره
 رفیق شهید علی
 اکبر جعفری از
 رهبران کیسیر
 سازمان چریکهای
 فدائی خلق
 ایران



و هاشم شمس‌دور، حسن سبزوکار و علی کارگر

بناها کارگران شهید
 "جهان چیت"

۰۵/۲/۲۵	لادن آل آقا
۰۵/۲/۲۵	احمد رضا قنبرپور
۰۵/۲/۲۷	محمود خرم آبادی
۰۵/۲/۲۷	مصطفی حسن پور امیل
۰۵/۲/۲۷	فریده غروی
۰۵/۲/۲۷	تورج اشتری
۰۵/۲/۲۸	بهروز ارمغانی
۰۵/۲/۲۸	اسماعیل عابدی
۰۵/۲/۲۸	زهره مدیترانه جی
۰۵/۲/۲۸	حسین فاطمی
۰۶/۲/۱	عبدالله پنجه شاهی
۰۶/۲/۶	نسرین پنجه شاهی
۶۱/۲/۱۲	موسی (ایرج) مکاری
۶۱/۲/۱۲	مهشید معتضد کیوان
۶۵/۲/۳۰	مرتضی مناج (کاک شهاب)



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهومانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ما شوتسه دون)

عهدای فروردین و اردیبهشت ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

روز شمار فروردین و اردیبهشت ماه

۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق محمد حرمتی پور
از رهبران جنگا (آرخا) و چهار تن
از همزمانی.
۵۸/۱/۵ - حمله به مردم سنندج (شورز
خونین)
۵۸/۱/۶ - حمله به خلق ترکمن (جنگ
اول گنبد)
۵۹/۱/۲ - قتل عام اهالی بیدفاسع
روستای قهلاتان در کردستان

۰۵/۲/۱۸	خلیل سلماسی نژاد	۰۵/۱/۲۶	جواد سلاخی
۰۵/۲/۲۳	کاظم سعادت	۰۴/۱/۳۰	بنیون جزئی
۰۳/۲/۶	شیرین فضیلت کلام (معاضد)	۰۴/۱/۳۰	حسن ضیا نظری
۰۳/۲/۶	مرضیه احمدی اسکویی	۰۴/۱/۳۰	محمد جویا نژاد
۰۴/۲/۲	علی اکبر (فریدون) جعفری	۰۴/۱/۳۰	احمد جلیل افشار
۰۴/۲/۱	هادی فرجاد	۰۴/۱/۳۰	عزیز سرمدی
۰۴/۲/۱۴	حبیب الله مومنی	۰۴/۱/۳۰	مشوف (سعید) کلانتری
۰۴/۲/۲۰	محمود نمازی	۰۴/۱/۳۰	عباس سورکی
۰۴/۲/۲۰	منصور فرغیدی	۰۴/۱/۲۷	محمد معصوم خانی
۰۴/۲/۲۵	فرهاد صدیقی پاشاکی	۰۴/۱/۲۳	خاشار سنبری
۰۴/۲/۲۵	مهوش حاتمی	۰۵/۱/۱۸	حمید اکرامی
۰۴/۲/۲۵	محمد رضا قنبرپور	۰۵/۱/۲۹	محمد رضا کامیابی
۰۴/۲/۲۵	فرزاد نادگر	۰۶/۱/۴	علی میرابون
۰۴/۲/۲۵	عزت غروی (رفیق مادر)	۰۶/۱/۹	یدالله سلیمی
۰۴/۲/۲۵	قرینا نعلی زرکاری	۰۶/۱/۱۰	پریدخت (غزال) آیتی
۰۴/۲/۲۵	ناصرشایگان شام اسپی	۰۶/۱/۱۰	سیمین پنجه شاهی
۰۴/۲/۲۵	ارژنگ شایگان شام اسپی	۰۶/۱/۱۰	عباس هوشمند
۰۴/۲/۲۵	جهانگیر باقرپور	۶۷/۱/۲۲	جمشید هدایتی (کاک اسماعیل)
۰۴/۲/۲۵	هوشنگ اعظمی لرستانی	۶۷/۱/۲۲	سلیمان میر بلوک (کاک قاسم)

هواچه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

- ۱/۸/۱ تولد ماکسیم گورکی ۱۸۶۸
- ۱/۱۰/۱ روز اغفال فلسطین (روز زمین) ۱۹۷۶
- ۱۰/۱/۱۳ شهادت قاضی محمد صدر قاضی، سیف قاضی از رهبران جنبش سالهای ۲۵-۲۲ کردستان
- ۱۲/۱/۱۳ قیام محمد تقی خان پسیان
- ۱۴/۱/۵۰ اعدام انقلابی سبهد
- فریب توسط چریکهای فدائی خلق ایران
- ۱۶/۱/۱۳ برگذشت پروین اعتصامی
- ۲۰/۱/۱ قتل عام صدها تن فلسطینی در بمبیسین ۱۹۴۸
- ۱۷/۱/۱۲۹۹ قیام شیخ محمد خیابانی در آنریایجان
- ۱۷/۱/۵۰ حمله به کلانتری قلعهک (تهرآن) توسط چریکهای فدائی خلق ایران
- ۲۲/۱/۱ ترور املیانازایاتا ۱۹۱۹
- ۲۳/۱/۱۳۳۷ اعتصاب تاکسیرانان تهران
- ۲۸/۱/۱ پیروزی انقلابیون کامبوج ۱۹۷۵
- ۲۹/۱/۵۹ پورش به سندج (جنگ یکماهه) و آغاز پورش گسترده دوم به کردستان
- روزشمار اردیبهشت ماه
- ۱/۲/۵۹ حمله به ناندگاههای سراسر کمور و کفتارنا نجویان مبارز
- ۲/۲/۱۸۷۰ تولد لنن ۱۸۷۰
- ۵/۲/۱۲۹۴ قتل عام آرامند برترکیه ۱۹۱۵
- ۷/۲/۱۳۳۰ اعتصاب کارگران نفت جنوب
- ۸/۲/۱۳۵۰ سرکوب اعتصاب کارگران جهان جیت و شهادت کارگران قهرمان وجیدهالله چشم افروزه علی کارگر و حسین نوکوار
- ۹/۲/۱۳۳۰ تشکیل دولت ملی دکترمدق و تصویب قانون خلق بد
- ۱۰/۲/۱۹۷۰ پیروزی انقلاب ویتنام (فتح سایگون) ۱۹۷۵
- ۱۱/۲/۱۱ قیام کارگران قهرمان شوکاگو ۱۸۸۶
- ۱۱/۲/۱۱ اعلام ایمن روز از سوی انترناسیونال بمنابه روز جهانی کارگر ۱۸۸۹
- ۱۱/۲/۱۵ آغاز کار راهبوندای چریکها
- ۱۲/۲/۱۲۹۹ تظاهرات وسیع کارگری در تهران
- ۱۲/۲/۴۷ شهادت اسماعیل عرفی زاده و یاران
- ۱۳/۲/۱۲ آغاز جنبش ماه مه در فرانسه ۱۸۶۸
- ۱۵/۲/۱ تولد کارل مارکس ۱۸۱۸
- ۱۵/۲/۱۳۶۰ شهادت بابی سندز
- ۱۷/۲/۱۲ نبرد لنن بین فو ۱۹۵۳
- ۱۹/۲/۱۳۲۴ پایان جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵
- ۲۱/۲/۱۳۳۷ تهریاران خسرو روزبه
- ۲۱/۲/۱ شهادت دکتر خاتعلی (روز معلم)
- ۲۹/۲/۱ تولد هوشی مین ۱۸۹۰



هرچه بیشتر آگاهی آنها کمک کس کرده و تجربه دیگری از سیاستهای نواستعماری امپریالیستها به نمایش می گذارد آگاهی انقلابی ای که سرانجام در بستر مبارزه سلحانه ای طولانی به نیروی مسادی عظیمی بدل گشته و ریشه تمامی دشمنان خلقهای قهرمان ما و در راس آنها رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امریکانیست را از بیخ و بن از میهن تحت سلطه مان برخواهد کند.



اسلامی و اربابان امریکانیستمان در طول سالها همواره کوشیده اند تا آنسرا از اذهان توده های آگاه و مبارز ما بنهان سازند و بز فریبکارانه و شبانانه ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی را همچنان حفظ کنند.

اما به رغم تمامی این تلاشهای فریبکارانه، چهره دشمن اصلی خلقهای ما و ماهیت سرسپرده رژیم جمهوری اسلامی امروز دیگر بیش از پیش برای توده های ما روشن شده و فاش شدن جزئیات بیشتری از توطئه مشترک بین امپریالیزم امریکا و رژیم جمهوری اسلامی در نمایش اغفال سفارت امریکا به نوبه خود به ارتقا

درباره مضحکه اغفال سفارت امریکا

از صفحه ۲۴

یعنی ریگان، بوش و نارودسته شان به پیروزی رسیدند گروگانها را آزاد کرد و بدین ترتیب نقش مهمی را در تقویت موضع آنها در هبات حاکمه امریکا ایفا نمود آنچه که در فوق مختصرا بر سر کرده شد مرور کوتاهی بزرگه آن واقعهیات مبارزاتی ای بود که در پشت تاکتیک محیلانه امپریالیزم امریکا و رژیم مزدور جمهوری اسلامی بر علیه خلقهای ما جریان داشت و سران رژیم جمهوری



پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
به مناسبت نوروز ۶۹

۲ اردیبهشت ماه سالگرد تولد لنین سازمانده
کبیر انقلاب اکتبر و رهبر بزرگ کارگران
سراسر جهان گرامی باد.

"عید سعید و باستانی، نوروز به خلقهای
قهرمان ایران مبارک باد"
امسال نیز خلقهای مبارز ما بزغم
خواست دشمن و بنایه رسم هر سال ،
عید نوروز این سنت دیرپا را گرامی
میدارند. نوروز را که با بهار سبز و
طرب انگیزش بشارت ده شادبها، احیاگر
نشاط، تحرک و سرزندگی و سمبل پیروزی
زیبا شیها برزشتیها، زندگی بر خمود و
مردگی و غلبه روشنائی بر تاریکیهاست.
سپری کشتن عمر زمستان سرد و تاریک
و فراروشی بهار خجسته، جشنی را
میطلبید. جشن بزرگداشت سرآغاز فصل
بهار، نوروز را مردم ما با برپائی این
جشن به بهار خوش آمد میگویند و
در صفحه ۳۲

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در اکتبر آثار سازمانی بکشید

ساعات پیش :
۹ شب و
۶ر۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
روز ۷۵ متر
چریکهای فدائی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه

F. S B. P _ 181 75623 PARIS CEDEX 13 FRANCE
BM BOX 5051 LONDON WCIN 3XX ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!